

قلم ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

آرژانده روزی بنفشه هاشمی آرا

حینلی منگان

یک میلیارد دلار ناقابل!

بر اساس همین قاعده، یکی از ضوابط صدور حکم مجوریت در عرف قضایی احراز عدم کفایت در ضبط مال است. یعنی محکمه وقتی تشخیص داد کسی قادر به حفظ مال خود نیست آن را مستند "حجر" وی قرار می دهد و برایش قیم تعیین می کند.

در قضیه گروگان گیری اعضای سفارت آمریکا هرگاه کسانی که بعنوان نماینده مردم برگرسی های مجلس با صلاح سلامی نشسته بودند از حداقل وجدان بهره نداشتند میبایستی آیت الله خمینی را مجورا اعلام میکردند. ولی آن ها بجای آنکه با صدور چنین حکمی لاقول خودشان را از آنها مشا رکت در یک همچو خیانتی میرا سازند و بگویند عملی از یک دیوانه سرزد و حرجی بردیوانه نیست، بقرارداد ننگین الجزا بر صحنه گذارند و خمینی را تشویق کردند که با گروگان گرفتن فرانسوی ها در بیروت مرتکب جنونی دیگر شود و با زبعا از یک سال و چند ماه گروگان ها را آزاد کند در حالی که این دیوانه با زی هم مانند دیوانه بازی قبلی جز ضرر مالی و حیثیتی برای ایران چیزی عاید نکرد.

بقیه در صفحه ۱۲

تروریست ها

و بمب های اتمی!

بر اساس گزارشی که از سوی گسروه بین المللی تحقیقات اتمی انتشار یافت، خطر استفاده از سلاح های اتمی در اعمال تروریستی یا در حمله به تاسیسات اتمی، بیش از پیش اهمیت می یابد. طبق این گزارش، چندان اساسی، خطر تروریسم اتمی را تشدید می کند که از آن جمله است پشتیبانی برخی دولت ها از تروریسم و تعداد درو به افزایش مراکز اتمی و تحقیقات اتمی، و نیز قرارگرفتن مبنی بر وجود سلاح های دست ساز اتمی در بازرسا ه.

این گزارش که زیر نظر رئیس پیشین سازمان سیا تنظیم شده است، نتیجه می گیرد که تروریست ها از طریق های مختلف می توانند سلاح های اتمی را به دست آورند.

به گفته ی کارشناسان، جدی ترین خطر، ربودن یک سلاح اتمی و انفجار آن در یک منطقه پر جمعیت است. به علاوه تروریست ها می توانند در یک مرکز اتمی خرابکاری یا تهدید به خرابکاری کنند. این گروه تحقیق، سپس راه های جلوگیری از خطرات احتمالی استفاده از سلاح های اتمی را در عملیات تروریستی در گزارش خود پیشنهاد می کند. یکی از این راه ها تجهیز سلاح های اتمی به سیستم های الکترونیک جلوگیری از استفاده از آن ها توسط افراد غیر است. این گزارش همچنین پیشنهاد می کند که مراکز اتمی غیرنظامی نیز مثل مراکز اتمی نظامی، خود را به تدابیر امنیتی مجهز کنند.

هادی بزاز

در حاشیه انتخابات اسپانیا

ملت اسپانیا در این کوتاه زمان با چه اندوخته و مایه ای توانست، اختناقی چنان سنگین و درمرا حلی آمیخته به موحش ترین اشکال سرکوب و قتل عام و عذاب را فارغ از هرگونه خشونت و خونریزی و تلاش پشت سر بگذارد و به ایجاد نظم موفقی شود که اگر در مقام قیاس بر دیگر دمکراسی های غرب و حتی جاندارترین و کهن ترین آنها پهلونی زند، از هیچ کدام کاستی ندارد؟ طبیعی است که پاسخ ها نیز، در ارتباط با معتقدات و سخنان ذهنی و حسی عادات و سلوک و مواضع آدم ها گوناگون است.

بقیه در صفحه ۲

مذاکرات ناموفق

روزیکشنبه ۲۹ ژوئن در وزارت امور خارجه فرانسه خاطر نشان شد که مذاکرات دریا بخت دنبال خواهد شد، اما به تاریخ و محل ملاقات اتمی هیأت های نمایندگی دو کشور اشرافی نشد.

خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۹ ژوئن ۸۶، اعلام کرد که هیأتی نوآب، معاون وزارت دارایی و رئیس هیأت نمایندگان جمهوری اسلامی، روز شنبه ۲۸ ژوئن ۸۶ پایتخت فرانسه را ترک گفته است و اضافه کرد که مذاکرات دیگری به منظور حل اختلاف مالی میان دو کشور پیش بینی شده است.

خبرگزاری فرانسه یادآوری می کند که اعضای هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی، در تاریخ چهارشنبه ۲۵ ژوئن وارد پاریس شدند و روزهای پنجشنبه ۲۶ و جمعه ۲۷، گفتگوهای طولانی با هیأتی با فرانسوی خود بسطی برای حل اختلاف بر سر حدود یک میلیارد و پانصد میلیون دلار وام و بهره وام رژیم پیشین ایران به فرانسه، انجام دادند. در این گفت وگوها، موضوع پرداخت غرامت به فرانسه بسطی قرار دادهایی که جمهوری اسلامی پس از انقلاب به طوریک جانبه لغو کرد نیز مطرح شد.

حوادث در ذهن آدمیزاد، به اعتبار تنوع آرزوها و تقاضاها و طبیعتا "دیدها و برداشتها، نقش های متفاوتی بخود می گیرند و با زتاب های گوناگونی پیدا می کنند. بعنوان مثال در این حدود با زده سالی که از مرگ فرانکو (دیکتاتور اسپانیا) و سقوط فرانکیسم در اسپین کشور می گذرد - هر بار با رسیدن موسم انتخابات و برای نمونه انتخابات اخیر (۲۲ ژوئن) - برای آن مردمی که همچنان با حسرت نفسی در فضایی آزاد تقلا کرده و نالیده و ناکام مانده اند، خواه ناخواه این سؤال مطرح شده است که:

خبرگزاری فرانسه گزارش داد که هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی، دست خالی، پاریس را به قصد تهران ترک گفت. خبرگزاری فرانسه در گزارشی از پاریس زیر عنوان "پایان دور دوم مذاکرات پاریس - تهران"، می نویسد: "دیروز در پی بازگشت هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی به تهران گزارش رسیده که دور دوم مذاکرات فرانسه و جمهوری اسلامی برای حل و فصل اختلاف مالی میان دو کشور شنبه گذشته به پایان رسید و از قرار معلوم، هیچ توافق میان طرفین حاصل نشد.

۷۳ مورد قصاص

یک زن ایرانی به نام مریم زواره ای که شوهرش دو چشم وی را کور کرده بود بر اساس حکم دادگاه شرع، اجازة یافت به عنوان قصاص، دو چشم همسرش را کور کند. اما وی تنها به کور کردن یک چشم شوهرش اکتفا کرد.

مقامات جمهوری اسلامی همچنین فاش کردند که تا بحال چندین مورد حکم قطع عضو و سنگسار در مورد زندان و زندگاران اجرا شده است.

انتشار این گزارش ها، کسانی را که فکری کردند گذشت زمان، انقلاب اسلامی را نرم تر و ملایم تر خواهد کرد تا امید ساخت.

بقیه در صفحه ۱۰

چهره غم آلود

قذافی

در صفحه ۵

فرزاد جوادی

اجلاس اولت:

اختلاف نظر و آشتی

روز چهارشنبه گذشته، ۲۴ ژوئن، وزرای سیزده کشور عضو و یک برای تشکیل هفتاد و هشتمین مجمع عمومی عادی خود در جزیره بریونی در شمال یوگسلاوی که سابقا "محل اقامت تابستانی پوزیدینت تیتو بوده است، گرد هم آمدند (این اجلاس تا زمان زیر چاپ رفتن این هفته نامه همچنان ادامه داشته است).

کارشناسان نفتی غرب بسیار بیعتد می دانند که مذاکرات اوپک این بار نیز به نتیجه ای قاطع بیانجامد. به نوشته فرانسوا وی، گزارشگر خبرگزاری فرانسه، برخی از ناظران از پیش حتی شرط بندی کرده اند که اجلاس بریونی نهایتا "با انتشار بیانه ای در توجیه توافق صوری و ظاهری پایان خواهد پذیرفت و پیگیری اوضاع و احوال مذاکرات به یک اجلاس اضطراری دیگر دریا شیز آینه موکول خواهد شد.

بقیه در صفحه ۴

رسانه های گروهی هلند:

سخن شاپور بختیار

بر دل می نشیند

در صفحه ۴

یاد آوری و سپاسگزاری

استقبال وسیعی که از تقاضای ما در تبریک تکمیل فورم تازه اشتراک بعمل آمد موجب خوشنودی و سزافرازی ماست. همانطور که قبلا با اطلاع رساندیم، از این شماره، نشریه تنها برای خوانندگان که فورم را ارسال داشته اند، یا منبعا رسال دارند فرستاده می شود. عده ای از خوانندگان گرامی ما، که امکانات مالی شان اجازه می داده است، به ندادی ما، برای تاءمین حق اشتراک کسانی که علاقه مند ولی در مضیقه مالی هستند، پاسخ مثبت داده و مبالغی علاوه بر وجه اشتراک خود فرستاده اند. از این باب از آنها صمیمانه سپاسگزاری میکنیم.

(ضمنا لازم به تذکر است که بعضی از خوانندگان ما، نامه خود را بجای ارسال به نشانی نشریه، به آدرس بانکی یا حسابی ما فرستاده اند که صحیح نیست و احتمالا موجب تاخیر یا اصولا عدم وصول میگردد.)

در حاشیه انتخابات اسپانیا

بقیه از صفحه ۱

گروهی به دلایلی که چندان هم پوشیده نیست، سعی دارند، خمیرمایه‌ی آن چه را که در اسپانیا پس از فرانکو رخ داده و این کشور را در صف ممالک معتبر و با منزلت جهان آزا دنا نشان داده است منحصر "از کارنامه‌ی چهل ساله دیکتا تورا استخراج کنند و غالباً هم با این تبلیغ و توصیه که ملت اسپانیا، در شکر نعمت امروز با پدمنت گوزار " پیشوای " دیروز خود باشد که اگر پای او چراغ " عنایت و ارشاد " او در کار نبوده، این منزلت و اعتبار رنیز حتی کورسوی نداشت.

اینگونه برداشت‌ها که طبعاً "در گروه مشخص و " ممتازی "، همه جا و بخصوص در جامعه ما، پیروان و مبلغان پروپا قرصی داشته است (و شگفتنا در پی این تجربه‌های مکرر) هنوز هم دارد. اگر ریشه در مواضع و امتیازات قسری نبسته باشد، مسلماً " ناشی از کمبود اطلاعات تاریخی است.

براستی چگونه می‌توان تقای خونیار و فرا موش ناشدنی و پان ناپیدرملتی را در این تحول عمیق اجتماع عسی فرو گذاشت و تنها می‌علت‌ها را به گذر اراده‌ای بست که سالها و سال‌ها به حفظ نفس‌ها تعلق گرفته است؟

تب و تاب ملت اسپانیا، بیخا طر جلویگری از خیزش فاشیسم خاصه به دنبال مسرک ژنرال " سان ژورویو " و کودتای فرانکو و تگاه وقوع جنگ‌های داخلی (۱۹۳۶ - ۳۹) که بر اساس آمارها با یک میلیون کشته - پانصد هزار تبعیدی و سیمده هزار زندانی و اعدام‌های گاه هزار هزار (هر بار)، خود شاه سدی گویا بروست مقامت ملی بوده است و علاوه بر این، انبوه‌آمارهایی که به گواهی آن وجود تلاش‌های گسترده‌ی سیاسی و اجتماعی و نیز وجود احزاب نیرومند آن سالهای طوفانی و پیش از آن سالها با زمانه است هر کدام حکایت از این واقعیت دارد که ملت اسپانیا بنیای زندگی امروز خود را در خلا و بیابنا بر فرمایش و وصیت پیشوا شالوده نریخت، بکس آنچه بدست آورد و روز بروز قوام بخشید پشت به سابقه‌ای دارد، آکنده از تقلاب و ایثارها.

این ملت دمکراسی را در " مکتب استاد " و آن هم استادی که هرگز میان نسیه‌ی خوشی با این قماش تقاضا نداشت، نیا موخت بر تمنای خود چنان ایستاد که سرانجام عنصری چون فرانکو نتوانست از آن نادیده بگذرد. ولی وقتی تحلیلی خالی از غرض در میان است، دیگر نمی‌توان از نقش فرانکو در تحولات ۶۰ سال اخیر اسپانیا چشم پوشید و گذشت، که حضور او مخصوصاً " در زمینه‌های مرتبط با توسعه اقتصادی و قرا را اسپانیا در مرتبه‌ی ده کشور توسعه یافته‌ی جهان و نیز اثر مواضع او در مرحله‌ی انتقال به دمکراسی بی آنکه عامل منحصر و علت علت‌ها تلقی شود، مسلماً " قابل توجه و محاسبه است.

در این جایی مناسبت نیست، توجه آن جماعتی که ما یلند با آنکه به نقش فرانکو، اعتباری برای کل نظام‌های دیکتاتوری برآشند - به نکته‌ی ظریفی جلب شود که تفاوت کیفی میان میراث فرانکو و میراث قریب بسا تفاسق دیکتا تورها بویژه در جهان سوم به پایا نیست که مقایسه را تا پذیرش یک استثناء " در حق وی پیش می‌برد.

با این همه محققاً " تاریخ، با معیارهای انسانی و خاصه ضوابط قرن بیستمی فرانکو را در حلقه‌ی برگزیدگان و اصحاب خیر نشانده است.

یادگارهای رعشه انگیز از دوره‌ی پانگویی فرانکیسم و آن حمام‌های خونی که برپا شد - قتل عام‌ها و اعدام‌های گروهی که گاه در یک روز به هزاران میرسید، قساوت‌های رعشه انگیزی که از گروه‌های فالانژ ظاهر شد و خلاصه وقایع هولناکی که موبمورد در فتنه حوادث آن سالها ثبت شده است، کارنامه‌ای نه قابل دفاع و حتی (در قبال خدماتی هم که انجام داد) - نه اصل چشم پوشی و فرا موشی بلکه به محکوم کننده بدست می‌دهد.

ولی حالا که سخن از قیاس در دنیای دیکتا تورها است نباید از یاد برد که فرانکو - دیکتا توری را هرگز و هرگز پلی برای غارت ملت خود نساخت.

اگر هم صفتان او اینجا و آنجا، تیغ و قدرت را، به ابزار دوشیدن ملت هامبدل کردند و در جمع مال و دستیابی به ملک و آب و پرکردن بانک‌های درونی و بیرونی و سرمایه‌گذاری‌های نجومی در این سو و آن سوی دنیا، هیچ مرزی را ناپیموده رها نساختند، و اقعیت این است که فرانکو طالب گور، میراثی از این قماش از خود بجای نگذاشت و وقتی که مرد ثروت و همان قدرت بی رقیب او بود که در کناره‌های بیخاک سپرده شد. مقایسه میان سوموزاها و ما رکوس‌های مانده و فرانکوئی رفته این واقعیت را عریان تر جلوه می‌دهد.

می‌توان تصور کرد که دیکتا تورا اسپانیا راه خود را بر طبق معیارهای خاص خود، صمیمانه راه سعادت کشورش می‌دانست و بر آنچه انجام میداد، ایمان داشت (که نا گفته نماند این نیز اگر چه انگیزه‌ی قیاس‌ها است ولی دلیل بر اثبات نیست).

مسلماً " فرانکو عظمت اسپانیا را هدف ساخته بود ولی مشکلی این بود که در این قرن بیداری‌ها " عظمت " را ولو خالی از غرض و بیخوایی با مفهوم عصر قیصرها و تزارها اندازه‌گیری گرفت - نظامی سرخت و منضبطی بود که " اطاعت محض " را بیش از حق آدمیزاد هم کرده و این برداشت را به حیطةی حاکمیت و فرمانروائی برملتی نیز تسری داده بود.

فرانکو از بخت بد، در حال وهوای ظهور پطرکبیر ظاهر شد، و گرنه در حد خود، درسک نام آوران و احتمالاً " نوآوری مانند او مقامی داشت. او در عصری " عظمت " را محصول سیادت و قسدرت تشخیص داد که نه فقط ملت او فرهنگ آزادی را جذب کرده بود، بلکه دهها سال پیش از آن ملت همسایه‌اش عنصری چون ناپلئون را نیز برینتا بیده بود.

بهر حال همین پرهیز از چشمداشت‌های مالی و ولع زرانندوزی و مخصوصاً " طوار استثنائی و وصیت او در پایان عمر به کشودن درها بود که در جمع عسلائم منفی، خط مثبتی نیز بجای گذاشت. و دست کم به قیاسی میان او و " همسلکان " او فرصت داد.

در همین اندازه و نه بیش از آن می‌توان

به اثر خلق و خوی آدم‌ها، بخصوص در جرگه‌ی زما مداران قیمت داد. مسلماً "، فرا فرانکو از سوء استفاده و امتناع از تبدیل قدرت به ابزار ثروت که خواه ناخواه از بی‌آمدن چا پلوسان بجای کار آمدن مانع میشد، خودیکی از عللی بود که اقتضای اسپانیا را رفته رفته از مراحل مرگ به مراحل سرزندگی کشید و بهر تقدیر فرانکو وقتی برای ابد چشم‌ها را بست، گروهی بودند، که از یاد و یادگار او درنگ کردند.

حالا که روایت از محدودی‌های اثر آدم‌ها مطرح است، حیف است از میراث داران او که ارشیدی خود را با هوشمناسدی به راستای طلب ملت اسپانیا چرخانده است بیادی نرود.

خوان کارلوس نیز پادشاه مشروطه‌ی اسپانیا به یمن بیسرداری و درک اقتضای زمان و کشش ملت اسپانیا، به سر حرمت و آبرو و محبوبیتی دست یافت که فراتر از همه‌ی گسرایش‌های عقیدتی، عملاً " او را به مظهری از پیوند ملی مبدل کرده است، و در آن درجه که جاده‌های پیچ در پیچ و متقاطع مسلکی وقتی به مقام معنوی اومی رسند خواه تا خواه برهم منطبق میشوند. چرا که او نشان داده است در پاسداری از دمکراسی و حقوق ملی پابرجا است و اگر قزاق گردنکش و قلندری هم یک روز فیلسف به یاد هندوستان و به بهانه‌ی " احیاء جلال و مقام او " مجلس ملت را قسرق می‌کند و هفت تیرمی کشد و جا هل بازی برآید می‌اندازد - اول زبانی که به محکومیت و تقبیح او بازمی‌شود، زبان اوست به آن نشان که بر مالک حقیق ملی ایمان دارد و نیز می‌داند که نه عزت‌صوری و موسوی - بلکه حرمت واقعی را از کجا باید خرید.

حوادث اسپانیا - با آن فراز و نشیب‌ها درس‌های گرانبهای با خود کشیده‌اند که در خفا ترین آن‌ها همین است که: زوال دیکتا توری‌ها، دیر و زود خواهد داشت ولی سوخت و سوزنخواهد داشت.

دیکتا توری چون فرانکو نیز که با پرهیز از زدنگی و بیخوایی یک پل به بالاتر از تمام هم‌کسوتان خود نشسته بود، از تحمل روزگار بیرون بود. فضیلت او را به " عطای " او نباید بست (که در این زمینه‌ها ده‌میش بی معنا است جبرزندگی حاکم است) در بیداری او و کم‌ظمنی او باید جست که سرانجام به این نتیجه رسید:

راه انتقال به حاکمیت مردم را بخون نباید آلود و به میراث دار خود موخت که بیش از این، نمی‌توان به جریان مخالف آفتاب دل بست و میراث دار، این واقعیت اجتناب ناپذیر را هوشمندانه گرفت و بکار بست.

آن‌ها که ما یلند، در یک نمونه‌ی آکنده از استثناء‌ها، اعتباری بسر دیکتا توری دست و پا کنند، بهتر آنست که هرچکایتی را تا پایان بخوانند و هم کنند.

روزنامه رسالت:

نوید مرگ

دولت سالاری

سخنان خمینی در روز عید فطر، با ردیگر در هفته گذشته اختلاف‌های شدید گروه‌های درون رژیم را برملا کرد. جناح‌های رقیب دولت موسوی که تنها بر سر قدرت بسان درستیزند از سخنان خمینی که گفته بود مردم را در امور مشارکت دهید، استفاده کردند و سیاست‌های دولت میرحسین موسوی را مورد حمله قرار دادند.

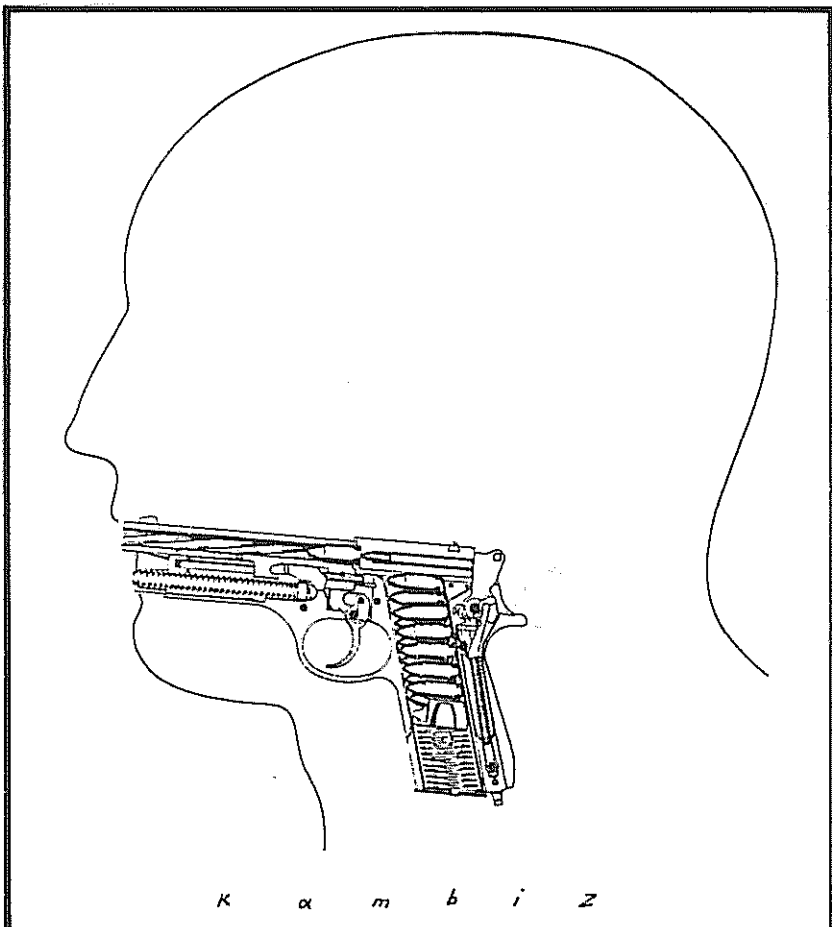
علی‌موجدی ساوچی نماینده طرفدار دولت در مجلس شورای آخوندی در جلسه یکشنبه، تفسیرهای جناح رقیب را از سخنان خمینی رد کرد و گفت: بیشترین بحث و تفسیر را عبارت " مشارکت مردم و نظارت دولت " به دنبال داشته است. وی گفت: سخن امام را که در واقع روشن است خواهسته اند جزو مشابیهات و از سخنانی که ذوجوه است و دارای معانی مختلف است، منعکس کنند تا با ابیاح دنیهای و ذکر وجوهات و احتمالات گوناگون با لایحه آن متناهی را که بیشتر موافق طبع خودشان است و با دیدگان خودشان سازگار است، از میان معانی بیرون بکشند. وی در ادامه سخنان خود افزود: این بدان خاطر است که عده‌ای با واقعاً " از سخنان دانی و یک عده‌ای هم‌کار " عالم " عا مد " بسا سخنان و دیدگاه‌های امام خطوطی را که امام ترسیم می‌کنند دارند بسان بازی می‌کنند.

اشاره موجدی ساوچی به جناح‌های رقیب دولت موسوی است که با استناد به سخنان خمینی دایر بر مشارکت مردم و ایجاد مدار خصوصی، با سیاست‌های انحصاری دولت به ویژه در بخش اقتصادی موافق نیستند.

آخوندی ما می‌گاشانی نیز در نماز جمعه ۲۵ خرداد در دانشگاه تهران با اشاره به اینکه دولت به تنهایی قادر نیست امور را بگرداند. زمزمه‌ها و تالیعه‌های لغو تحصیل را یگان و سرمایه‌گذاری بخش‌های وابسته به رژیم اسلامی را در ایجاد مدار خصوصی مورد تأکید قرار داد و آن را یک مورد فقهی خواند و با اشاره به سخنان خمینی گفت: معنای سخنان امام اینست که عده‌ای که پول دارند و می‌خواهند مدرسه‌های تاسیس کنند بیایند و دولت هم کنترل و نظارت کند که مسیر غلط نروند و عده‌ای اگر بخوانند دانشگاه درست کنند دولت هم آن سیاست را که متضمن مصالح جامعه است عمل کند. منای این هم کتاب سنت است و در کتب فقهی ما تعلیم و تحلم واجب کفائی است. آخوندی اما می‌گاشانی اصل تحصیل را یگان در قانون اساسی را که خبرگان امام خمینی تصویب کرده‌اند، تلویحاً رد کرد و افزود: تنها دولت نیست، همه موظفند ولو اینکه قانون اساسی می‌گوید تحصیل را یگان باید باشد، ولی در فقه اسلام است که اگر در کشور اسلامی مردم دیدند بچه‌ها مانده‌اند و دولت نمی‌تواند مکانات آموزش را فراهم کند واجب کفائی است بیایند این بار را بردارند.

در این میان ویدنیال کشمکش‌های جناح‌های رقیب به نوشته روزنامه " کیهان " چاپ تهران، ۷ نماینده مجلس شورای اسلامی خواستار جلوگیری از مطالب اختلاف انگیز در روزنامه رسالت که به باندی از وزرا و دست‌اندرکاران سابق رژیم اسلامی تعلق دارد شدند.

هادی غفاری نیز که وابسته به جناح موسوی است، در سخنانی در جلسه اول تیرماه با اشاره به مطالب روزنامه " جناح رقیب، گفت: آنجا آمریکا بدست زکی میانی بدبخت توطئه می‌کند و توی سرنفت ما می‌زند تا ما را فلج کند و ما در اینجا در زیر چتر آبه‌ها و در روزنامه‌ها ما نیتیرمی رژیم بکا همس تولید نرفت، یا نوید مرگ دولت سالاری.



K a m b i z

اجلاس اوبک:

اختلاف نظر و آشفتگی

بقیه از صفحه ۱

محت و سقم بین حدسیات اگرچه روش... نیست اما کاهش شدید قیمت نفت که ظرف هشت ماه گذشته از بیشکای ۳۰ دلار سقوط کرده است ماههاست که اوبک را در اغتشاش و سرگیجه فرو برده است. کشورهای عضو اوبک حقیقتاً "دیگر نمی دانند در برابر رکود بازاری نفت که ناشی از عدم تعادل میان عرضه و تقاضاست، چه رویه‌ای پیش گیرند. طی اجلاس زمستان گذشته اکثریت قاطعی از اعضای اوبک به پیششازی و سعادت نفوذ غیرقابل انکار عربستان سعودی و به رغم مخالفت شدید جناح تندرو سازمان، علیه بعضی ممالک نفت خیز غیرعضو مانند انگلستان، به "جنگ قیمت‌ها" برخاستند. اما گذشت زمان بیهودگی این استراتژی را که مغایر قانون طبیعی عرضه و تقاضاست آشکار ساخته است.

استراتژی عربستان سعودی که هنوز هم به قوت خود باقی است، "حفظ سهم عادلانه اوبک" عنوان دارد، که مفهومش به کلام ساده‌تر، افزایش میزان تولید بمنظور "بزانس و درآوردن انگلستان" و دیگر کشورهای غیرعضو است.

تالی فاسد این استراتژی، اشیاع کردن بازار و در نتیجه کمک به سقوط قیمت نفت است. اما استدلال عربستان سعودی این است که چرا کشورهای غیر عضو بخصوص تولیدکنندگان نفت دریای شمال تولید خود را کاهش نمی‌دهند، چرا آنها اوبک باید از خود گذشتگی نشان دهد. این استدلال اگرچه از یک دیدگاه، مبنای منطقی دارد، اما باره‌ای داده‌های اقتصادی را در نظر نمی‌گیرد. مثلاً، توجه به این واقعیت ندارد که اتحاد بک غول صنعتی نظیر انگلستان بیش از ۵ درصد به نفت متکی نیست، حال آن که اساس و بنیاد اقتصاد اکثر کشورهای عضو اوبک بر پایه درآمد حاصل از فروش نفت استوار است. ولذا همانگونه که در جمهوری اسلامی مشاهده میشود، هرگاه قیمت نفت به سرانجام سقوط بگراید اقتصاد این ممالک نیز از بنیاد بلرزه درمی‌آید.

عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی که طی سال‌های پلاستیکی نفت، ذخیره‌های ارزی قابل توجهی اندوخته و هزینه‌هایشان نیز محدود می‌باشد تا حد زیادی از عوارض "جنگ قیمت‌ها" برکنار شدند. ولی این استثناء به هیچ وجه درباره دیگران

صدق نمی‌کند. نمونه بارزان، با زهم ایران است که دولتش بعثت سقوط بهای نفت حتی از عهده تاه مین دارو سواد اولیه موردنظر زملت بر نمی‌آید. در چنین شرایطی است که سیزده کشور عضو اوبک با برگزاری هفتاد و هشتمین اجلاس خود در جزیره بیلاقی بریونی، درصدد بررسی مجدد اوضاع و احوال "تجدید نظر در استراتژی خود برآمده‌اند. طبق آخرین گزارش‌های واصله اختلاف نظر فاحش بر جلسات حکمفرماست. عده‌ای، که البته شمارشان کمتر از گذشته است، هنوز طرفدار ادا مه جنگ قیمت‌ها تا "تسلیم" هستند. در برابر آنها، "جناح تندرو مرکب از جمهوری اسلامی، لیبی و الجزایر خواستار کاهش میزان تولید کل نفت اوبک از ۱۹ میلیون بشکه کنونی به ۱۴ میلیون بشکه شده‌اند. آنها معتقدند که عده‌ای، که با زکشت بهای نفت به بشکای تا ۲۸ دلار خواهش

انجام میدهند. در برابر آنها، "جناح تندرو و نزول‌گرا، گابن، ونیجریه قرار دارند که طرفدار کاهش نسبی میزان تولید و تلاش در جهت رساندن و تثبیت قیمت نفت به بشکای ۱۷ تا ۲۰ دلار هستند. امروز، در واقع، هیچ یک از اعضای اوبک مخالفتی با کاهش نسبی تولید ندارند. مخالفت عمیق همگی علیه کاهش سهمیه تولید خودشان است. چون بدیهی است چنانچه تقاضا باشد میزان تولید کل اوبک کاهش یابد طبعاً همه یا عده‌ای از اعضا الزاماً باید جور آن را تقبل کنند. و اینجاست که مشکل امروز می‌گردد. زیرا از سیزده کشور عضو اوبک حتی یک عضو حاضر به کاهش تولید خود نیست. نگاه‌ها تا "مواجهه دولت ترولمند عربستان سعودی است و لیبی عربستان نیز از ماه‌ها پیش اعلام کرده که دیگر زیر بار رفتار ادا که نمی‌رود.

تنها نتیجه قطعی اجلاس بریونی، انتخاب ریلو تولوکسن، وزیر نفت نیجریه به دبیر کلی این سازمان بجای هرناندز گریزانتی بوده است. به‌تایید محافل نفتی رسانه‌های بین‌المللی، این مهندس چهل و هشت ساله معادن، ماه‌های بین‌دشواری در پیش دارد.

رسانه‌های گروهی هلند:

سخن شاپور بختیار بر دل می‌نشیند

De gruwelen van Khomein

Iranse vrouw... Slecht gekleed? ...

'De weerzin tegen Khomeiny groeit'

Iranse oppositiegroepering... Straffen voor de Khomein...

نهضت مقاومت ایران، شاپور بختیار این زندانی سیاسی سابق، در زمان زمام‌داری مور ایران را بدست گرفت و کوشید آن را به حال عادی برگرداند که کشور به یک آتشفشان جوشان می‌مانست.

نویسنده مقاله به نقل از دکتر قبا دیان یکی از اعضای هیئت‌تاعزای نهضت می‌افزاید: تعیین رژیم آینده ایران مسئله‌ای است که ملت ایران باید درباره‌اش تصمیم بگیرد. مادامکرات و معتقد به انتخابات آزادانه، مردم هستیم. روزنامه هلندی به نقل از اعضای هیئت‌تاعزای نهضت در هلند می‌نویسد: آنها می‌گویند ما نمی‌خواهیم یک دیکتاتور را بجای دیکتاتور دیگری بنشینیم و می‌افزاید: گروه بختیار در داخل ایران تظاهرات علیه رژیم خمینی را سازمان می‌دهد و در خارج از کشور اقدام‌های ترویجی این رژیم را افشاء می‌کند. تجهیز افکار عمومی ایران و جهان بر ضد خمینی، از وظایف این نهضت است.

این روزنامه می‌نویسد: بختیار، آخرین نخست‌وزیر رژیم پیشین بود، هم‌اکنون در تبعید است. بلکه بخاطر اینکه امکان تغییر دیکتاتور به دموکراسی را محتمل می‌دید، مقام نخست‌وزیری را پذیرفت.

وی می‌گوید: اکنون در جوی که مردم ایران از ارا دیکالیسم چپ‌وراست، روی گردان شده‌اند، صدای معتدل نهضت مقاومت ملی ایران به‌دل‌ها خواهند نشست.

روزنامه دیگر هلندی بنام "هست پارول" که بخش‌هایی ازها حبسه، مطبوعاتی هیئت‌تاعزای نهضت مقاومت را چاپ کرده است، ضمن تشریح اوضاع رژیم جمهوری اسلامی به نقل از یکی دیگر از اعضای هیئت‌تاعزای آراومی‌شود: آیت‌الله منتظری که به‌جای نشینی خمینی تعیین شده است، بعنوان یک شخصیت معتدل معرفی می‌شود ولی در حقیقت وی به‌جناح افراطی رژیم تعلق دارد. بهمسئله جهت‌واهم موفق نخواهد شد گروه‌های متخاصم در داخل رژیم را پس‌از مرگ خمینی با یکدیگر آشتی دهد.

در پی دیدارها و گفت‌وگوهای هیئت‌تاعزای نهضت مقاومت ملی ایسرا ن و مصاحبه‌های مطبوعاتی و رادیویی - تلویزیونی آن در هلند که چندی پیش انجام شد، رسانه‌های هلندی، مقاله‌ها و تفسیرها "تسبیح دربار" و "فصح ناگوار حقوق بشر در ایران و جنایت‌های رژیم خمینی به‌جای رس‌نندند. خبرنگار "قیام ایران" در لاهه می‌نویسد: دیدار هیئت‌تاعزای نهضت مقاومت ملی ایران و مصاحبه‌های روشنگر آن، رسانه‌های هلندی را نسبت به آنچه در ایران بلاییده می‌گذرد، آگاه ساخت. روزنامه "هت‌بینن هور"، چاپ لاهه، در تفسیری نوشت: نمایندگان نهضت مقاومت ملی ایران به رهبری شاپور بختیار، چهار نفر اکیسون بزرگ و کمیسیون روابط خارجی پارلمان هلند را در جریان خواست‌های ملت ایران قرار دادند و حقایق اوضاع ایران را برای آن‌ها تشریح کردند. نمایندگان نهضت خواستار قطع روابط دیپلماتیک هلند با جمهوری خودکام آیت‌الله خمینی شدند و اعلام داشتند که رژیم‌های هدیه‌اش به ملت ایران اشک و خون است، با پیدا زوی همی‌جها نیان محکوم شود.

"هت‌هاگه فولک"، دیگر روزنامه چاپ لاهه، زیر عنوان "در رژیم آیت‌الله‌ها، لب‌های سرخ ممنوع است" نوشت: فشارها و تفتیش‌هایی که در حق زنان ایران اعمال می‌شود در دنیا کم‌سابقه است. همین روزنامه‌ها تشریح فضای ایران در حکومت ولایت فقیه، کوشش‌ها و مبارزات دکتربختیار را در جهت استقرار حاکمیت ملی، یک‌نبرد ضدفاشیستی توصیف کرده نوشت: رژیم حاکم بر ایران با رژیم هیتلر قاطب مقایسه است. "روتردام" نشریه دیگر هلندی زیر عنوان "گروه مقاومت ایرانی می‌نویسد: نفرت نسبت به خمینی روبه‌ازدیاد است. بسیاری از روحانیان معتدل در ایران، خمینی را مطرود می‌دانند. به عقیده آنها آنچه‌تسبیه در ایران بنام مذهب انجام می‌گیرد، ربطی به مذهب ندارد. نویسنده مقاله با ذکر تاریخچه‌ای از مبارزات رهبر نهضت مقاومت ملی ایران، یادآوری می‌کند: "رهبر

نشریه ایتالیایی زبان URL NEL SILENZIO 1986

دکان بد حجابی

ایران و خاورمیانه



در مطبوعات بین المللی

چهره غم آلود قذافی

هفته‌ها مه‌لویونن چاب پاریس، در گزارشی راجع به اوضاع لیبی به قلم "پیربلو" می‌نویسد:

اسال در یکی از جشن‌های مهم ملی لیبی که هر سال به مناسبت تخلیه پایگاه آمریکا بی "ویلس" در سال ۱۹۷۰ برپا می‌شود، قذافی با چهره‌ای ورم کرده، لحنی مرده، حالتی گیج و حواسی پرت که با کوشش زیاد سعی می‌کردنطق خود را بخواند، تنها به سایه‌ای از قذافی گذشته‌شیا هت داشت.

مردم لیبی، از نطق بی حال وی مزه قذافی تنها یک چیز فهمیدند، این که با بدگمربندها را چند درجه دیگر سفت تر ببندند. در نطق قذافی گفته شد که از این پس اولویت به نیا زهای استراتژیک لیبی داده خواهد شد و تولیدات لیبی اختصا به صادرات خواهد شد.

لیبی که زمانی به دلارهای نفتی خود افتخار می‌کرد و در چهره رگوشه جهان آنها را برای حمایت از این با آن سازمان انقلابی خرج می‌کرد اکنون وارد دوران تنگدستی شده است. درمنازه‌ها قفسه‌ها خالی است. کره حکم‌کیمیا پیدا کرده است و ما بون از فروشگاه‌ها نا پدید شده است.

تا زمانی که در لیبی فراوانی وجود داشت مردم با بی اعتنائی هذیان‌های ایدئولوژیک و جنگی قذافی را می‌شنیدند، اما سقوط درآمد نفت و حمله هوایی آمریکا ضربات محکمی بر تمویر "رهبر" انقلاب وارد کرد.

طی ۶ سال در آمد لیبی از نفت به میزان ۸۰ درصد سقوط کرده است و از ۲۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به تنها ۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۶ رسیده است. بمباران هوایی ۲۶ فروردین لیبی از سوی آمریکا، افسانه شکست‌ناپذیری رژیم قذافی را بر باد سپرد. هواپیماهای آمریکا کمی هیچ مزاحمتی از سوی موشک‌های زمین به هوا یا آتشبارهای ضد هوایی لیبی احساس نکردند و اهالی تریپولسی و "بن غازی" ناگهانی و بشکلی خشن به آسیب‌پذیری خود پی بردند. این فکر که ما جراحی قذافی برای لیبی عواقب خطرناکی بیا خواهد آورد رفته رفته بین مردم این کشور رنج می‌گیرد. ابراز ناراضی‌های مردم کوچک و با زار و طبقه متوسط اختصا ندارد، ارتش نیز تکان خورده است. نظامیان لیبی حاضر نیستند مسئولیت‌ناراستی‌های را که هنگام حمله آمریکا بر ما شد، برعهده بگیرند.

هفته‌ها مه‌لویونن می‌نویسد: در مقابل این شورش پنهانی قذافی بر شدت اقدامات خود افزود و اختیارات کمیته‌های خلقی را که همه کشور و سازمان‌های دولتی و ارتش را در بر می‌گرفته‌اند اضافه کرد. وی اغلب اوقات خود را در واحدهای دربار با نهایی بیضاء در چند صد کیلومتری شرق تریپولی بسر می‌برد و هیچگاه دوشب متوالی در یک محل نمی‌خوابد. محافظان شخصی خود را تصفیه کرده است و اکنون تنها افراد قبله خود را به این کار رگما رده. وی به نظرمی رسد که فعلا اقدامات تروریستی اش را درجه‌ها متوقف کرده است. حتی به گفته سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا پاره‌ای از عملیات تروریستی را بعد از حمله هوایی آمریکا لغو کرد.

قذافی در تلاش جلب حمایت شوروی، مرد شماره ۲ رژیم عبدالسلام جلود را در اوایل خرداد ماه به مسکو فرستاد.

شوروی به هنگام حمله هوایی آمریکا رویه بسیار محتاطانه در پیش گرفت، اما بعید نیست که از اوضاع و احوال فعلی برای افزایش نفوذ در لیبی استفاده کند. هفته گذشته نیز یک هیئت نظامی روسی برای تقویت بنیه دفاعی لیبی وارد این کشور شد. ولی به عقیده پاره‌ای کارشناسان، شوروی که به طبیعت غیر قابل کنترل و خوی بیش بینی ناپذیر قذافی آگاه است بعید نیست درصدد برکناری آرام او از مرکز قدرت و جایگزین کردن او با عناصری که بیشتر طرفدار شوروی باشند برآید.

از هم‌اکنون به نظر می‌رسد که شوروی فرماندهی انقلاب لیبی کنترل خود را بر اعمال و رفتار قذافی افزوده است. کسی که خود را پرچمدار مستضعفان جهان می‌داند، با دیده‌نشینی که در فکر فتوحات صحرای آفریقا و برپا سازی یک امپراتوری شانزادگان اطللس تا سدیرانه بود، امروز یک سواری کم‌گشته در سراب آرزوهای خویشتن پیش نیست.



یاسر عرفات خائن!

معاون وزیر امور خارجه اسلامی، روز گذشته گفت، مقام‌های رژیم اسلامی بسا سفیرا عرفات رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین به تهران مخالفت کرده‌اند.

خبرگزاری فرانسه می‌نویسد: در مقابل این شورش پنهانی قذافی بر شدت اقدامات خود افزود و اختیارات کمیته‌های خلقی را که همه کشور و سازمان‌های دولتی و ارتش را در بر می‌گرفته‌اند اضافه کرد. وی اغلب اوقات خود را در واحدهای دربار با نهایی بیضاء در چند صد کیلومتری شرق تریپولی بسر می‌برد و هیچگاه دوشب متوالی در یک محل نمی‌خوابد. محافظان شخصی خود را تصفیه کرده است و اکنون تنها افراد قبله خود را به این کار رگما رده. وی به نظرمی رسد که فعلا اقدامات تروریستی اش را درجه‌ها متوقف کرده است. حتی به گفته سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا پاره‌ای از عملیات تروریستی را بعد از حمله هوایی آمریکا لغو کرد.

یاسر عرفات می‌کنیم که یاسر عرفات عضو هیات صلح کنفرانس اسلامی است که برای ختم جنگ جمهوری اسلامی و عراق تشکیل شد.

خبرگزاری فرانسه - ۲۶ ژوئن

پاریس - تهران

مذاکرات ادامه دارد

خبرگزاری فرانسه می‌نویسد: به دنبال رها شدن دو گروهگن فرانسوی از لبنان، در این هفته، دور جدیدی از مذاکرات بمنظور عادی کردن روابط جمهوری اسلامی و فرانسه، در پاریس آغاز خواهد شد. به گفته محافل دولتی فرانسه، قرار است امروز یک هیئت جمهوری اسلامی وارد پاریس شود تا مذاکرات هیئت فرانسوی را که در ۱۲ خرداد ماه به تهران رفته بود ادامه دهد. موضوع این مذاکرات حل اختلافات مالی دو کشور است. و باز پرداخت وام یک میلیارد دلاری فرانسه به ایران که به گفته جمهوری اسلامی با بهره‌اش اینک به ۲ میلیارد دلار رسیده است. همراه با قطع کمک‌های تسلیحاتی فرانسه به عراق و خروج مخالفان رژیم جمهوری اسلامی از فرانسه، سه شرط رژیم تهران برای بهبود روابط با فرانسه است.

دولت فرانسه با اخراج مسعود رجوی از خاک خود، یکی از شرط‌های جمهوری اسلامی را برآورده و از آنجا که اعلام کرده است قصد ندارد سیاست خود را در مورد عراق، به هیچ وجه تغییر دهد، به نظر می‌رسد اکنون حل اختلافات مالی، آسان‌ترین شرط باشد. البته دولت فرانسه در نظر دارد خسارات شرکت‌های فرانسوی را که در اثر انقلاب اسلامی بر آنها وارد شده است از وام مذکور کسر کند. در مقابل جمهوری اسلامی به دلیل کمبود شدید ارز قصد دارد در ازای مطالباتش از فرانسه جنگ افزایش دهد. محافل دولتی فرانسه بعید نمی‌دانند که پس از کسر خسارات شرکت‌های فرانسوی باقی مانده وام به ترتیبی به جمهوری اسلامی مسترد گردد اما امکان فروش اسلحه به جمهوری اسلامی به هیچ وجه مطرح نیست.

در این میان آدم‌ربایی که از جمهوری اسلامی دستور می‌گیرند درخواست دیپلماتیک نیز دارند: آزادی عاملان سوء قصد علیه جان دکتر ثار پوربختیار، رهبر نهضت مقاومت ملی ایران، به ویژه "آنیس نقاش" رهبر لبنانی این گروه.

خبرگزاری فرانسه اضافه می‌کند: در بهمن ماه گذشته هنگامی که تصویب می‌شد اولین گروه از گروهگن‌های فرانسوی در لبنان آزاد می‌شوند ترتیب آزادی "آنیس نقاش" رهبر گروه تروریستی مذکور، از طریق غنچه‌های در نظر گرفته شده بود.

یاسر عرفات تکذیب می‌کند

یک منبع مسئول فلسطینی به سمت اظهارات جمهوری اسلامی را مبنی بر این که از ورود یاسر عرفات به تهران جلوگیری شده است تکذیب کرد و اظهار داشت: "یاسر عرفات رهبر ساف نزد احدی تمایلی برای رفتن به تهران ابراز نکرده است و بعکس رژیم تهران مرتباً برای سفیر هیئت فلسطینی به تهران با فشاری کرده است."

جواد لاریجانی، معاون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، در مصاحبه‌ای با روزنامه تهران تایمز گفته بود که رژیم جمهوری اسلامی با وجود اصرارهای زیاد عرفات، از پذیرفتن وی به تهران خودداری کرده است.

مسئول فلسطینی گفت: سازمان آزادیبخش فلسطین و عرفات همواره به کوشش‌های بی‌وقفه خود برای پایان دادن به جنگ جمهوری اسلامی و عراق ادامه داده‌اند. از جمله در تلاش‌های میانجی‌گرانه هیات صلح سازمان کنفرانس اسلامی و جنبش غیرمتعهدها سهم عمده‌ای داشته‌اند.

مقام فلسطینی گفت سازمان آزادیبخش فلسطین همچنان به مسئولیت خود برای جلوگیری از ریخته شدن خون برادران مسلمان پای بند است.

خبرگزاری فرانسه - ۲۷ ژوئن

امین جمیل

فرانسه، تسلیم باج خواهان

امین جمیل رئیس جمهوری لبنان تلویحا "دولت فرانسه را به خاطر آن که تسلیم باج خواهی جمهوری اسلامی شده است مورد سرزنش قرار داد."

به نوشته روزنامه تایمز مالی چاپ لندن، امین جمیل دیروز (۲۷ ژوئن) در مصاحبه‌ای با خبرنگار این روزنامه گفت: غرب نیا بد با تروریست‌ها سازش کند یا به آن‌ها جایزه و پاداش بدهد.

تایمز مالی می‌افزاید: سخنان امین جمیل سرزنش ضمنی دولت فرانسه است که به منظور آزاد کردن گروهگن‌ها پیش با حزب اللهی‌های لبنانی وابسته به رژیم تهران کنار آمده است.

امین جمیل از قدرت‌های بزرگ جهان خواست از لبنان حمایت کنند تا این کشور بتواند تروریسم را که به مناسبت ضعف دولت لبنان چون سرطان در این کشور ریشه دوانده است ریشه‌کن کند.

جمیل گفت: قدرت‌های بزرگ باید به من کمک کنند تا من هم بتوانم متقابلا به آن‌ها کمک کنم. گمان نمی‌کنم مذاکره با تروریست‌ها بتواند مسئله‌ای را حل کند.

رئیس جمهوری لبنان در مصاحبه خود با تایمز مالی گفت: وقتی شما به تروریستی بخاطر عملیات تروریستی‌اش پاداش بدهید در واقع او را برای دست زدن به عملیات مشابه تشویق کرده‌اید.

تایمز مالی می‌افزاید: روی سخن امین جمیل آشکارا با دولت فرانسه بود که در مقابل تهدیدهای تروریستی رژیم تهران کم‌رخم کرده است.

تایمز مالی - چاپ لندن

در این میان، به گفته محافل دولتی فرانسه، فرانسوا میتران رئیس جمهوری این کشور که حق عفو محکومان را دارد مرتباً در جریان فعالیت‌های دولت برای آزادی گروهگن‌ها قرار می‌گیرد. همین محافل می‌افزایند: از نظر فرانسه، مذاکره برای آزادی گروهگن‌ها جنبه کلی و همه‌گیر دارد و تمامی گروهگن‌ها عم از دیپلمات‌ها و روزنامه‌نگاران و کسانی را که اسیر سازمان‌های اسلامی با سازمان عدالت انقلابی هستند در برمی‌گیرد.

گذشته از جمهوری اسلامی، نخست وزیر فرانسه از الجزایر سوریه نیز می‌ماند سبب آزادی گروهگن‌ها تشکر کرد.

دامنه همکاری الجزایر در این ماجرا روشن نیست. اما معمولاً الجزایر در مناقشات بین کشورهای جهان سوم و کشورهای غربی آنجا که مسائل سیاسی-انسانی مطرح می‌شود، نقش میانجی‌گرانه برعهده می‌گیرد. مانند آزادی دیپلمات‌های آمریکایی در تهران یا پذیرفتن زندانیان فلسطینی به هنگام مبادله اسیران اسرائیلی و فلسطینی در سه سال پیش.

خبرگزاری فرانسه می‌نویسد: در مورد سوریه موضوع پیچیده‌تر است. هدف دولت فرانسه از تشکر علنی از سوریه و جمهوری اسلامی، این بود که نمی‌خواست یکی از دو رژیم را که در حال رقابت سیاسی در لبنان هستند بر دیگری ترجیح دهد و بدین ترتیب تمام تلاش‌های را که برای آزادی گروهگن‌ها انجام شده است بر باد دهد.

از سوی دیگر به نظرمی رسد با پدید آمدن گروهگن‌ها که طرفدار جمهوری اسلامی هستند با آزاد کردن گروهگن‌ها از طریق دمشق، خواسته‌اند در زمانی که کشورهای پادشاهی عرب، سوریه را تشویق به برقراری روابط با عراق می‌کنند، حسن نیت خود را به حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه نشان داده باشند.

خبرگزاری فرانسه - ۲۴ ژوئن ۸۶

تلفن خبری

نهضت مقاومت ملی ایران - کانادا

شهر تورنتو ۴۱۶/۳۶۱۳۴۵۸

فرهنگ ایران

آشنایی با متون فارسی

قائم مقام فراهانی

جادوگر سخن و سیاستمدار بزرگ

محمد جعفر محبوب

یکصد و پنجاه و یک سال پیش از این، در ششم تیرماه سال ۱۲۱۴ شمسی موافق واپسین روز ماه صفر سال ۱۲۵۱ هجری قمری و ۲۷ ژوئن سال ۱۸۳۵ میلادی، یکی از بزرگترین فرزندان ایران در عرصه ادب و سیاست و یکی از کارآمدترین وزیران، یعنی میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی - بر اثر توطئه عاقلان دستگانه خارجی و درباریان فاسد دربار قاجار و شاهزادگان نالایق و فرزندان بیسار متعدد فتح علی شاه قاجار که لیاقت و درایت و توانایی قائم مقام دست‌آنان را از کارها کوتاه کرده بود، به امر محمدشاه قاجار، شاهی که تاج و تخت خود را مدیون کوشش شخصی قائم مقام بود، به قتل رسانید. محمدشاه اورنگ شاهنشاهی را از نیایی به ارث می‌برد که بیش از صد فرزند و ذکور از خود بر جای نهاده بود و برابری کردن با این اردوی مدعیان ریزودرشت پادشاهی، که در مقام نقاط و شهرستان های گوناگون در شرق و غرب و شمال و جنوب ایران پراکنده بودند از عهده یک تن برمی آمد و آن قائم مقام بود. اما چون به کوشش این وزیر بی نظیر تمام کردن کشتن سرکوب شدند محمدشاه نگذاشت که قائم مقام دوران وزارت و صد ارت خویش را به یک سال تمام برساند. شاه را وسوسه کردند که گویا قائم مقام سودای سلطنت در سر می‌پزد و چنین نبود. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب رویای صادقانه یا خلسه،

از تاریخچه که شیخ الاسلام تبریز، در فتنه منقول، صلاح مسلمین را در اسلام (= تسلیم شدن) دید، تا امروز... هرگز علمای تبریز این احترام و عزت و اعتبار و مطاعیت را نداشتند، تا در این عهد از دولت ما و عنایت ماست که علم کبریا به اوج سما برافراشته‌اند. سزای آن نیکی این بدی است! امروز که ما در بر سرپایه مخالف نشسته‌ایم، و مایملک خود را، بی محافظ خارجی به اعتماد اهل تبریز گذاشته، در شهر پایتخت ما آشوب و فتنه بکنند و دکان و بازار ببندند و "سید حمزه" و "باغمیشه" (نام دوم محل در حومه تبریز است) بروند، و شهرت ایسن حرکت را مرزویچ در ملک روس، وصفی خان در آستان همایون و دیگران در ملک روم بدهند! روی اهل تبریز سفید! اگر فتح علی خان غرض داشت و کدخدایان آدم بودند، با این که مثل میرزا مهدی آدمی پهلوی آنهاست، فتاح غیر علمیم چه جرات و قدرت داشت که صدرا این حرکات شود؟! فرمودند (= ولی عهد) اگر حضرات آتش و پول و سپهر نشوند بجا، اما شما را چه افتاده است که از زهد ریائی و تنهم (= برخوردار) ملامتی سیر نمی شوید؟ کتاب جهاد نوشته شد. نیوت خاصه به اثبات رسید. قیل و قال مدرسه دیگر بس است. یک چند نیز خدمت معشوق و می کنید. ❖

صد یک آنچه با اهل صلاح حرف جهاد زدید، اگر با اهل صلاح حرفی داده بود، کافی نمی ماند که مجاهدی لازم باشد. باری، بعد از این سفره جمعه و پنجشنبه را و اوقات عیان شهروکدهای محلات و نجای قابل و نوشته شد. نیوت خاصه به اثبات رسید. قیل و قال مدرسه دیگر بس است. یک چند نیز خدمت معشوق و می کنید. ❖

تقد صوفی نه همه صافی بی غش باشد ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد تا حال هر چه از این ورق خواندیم و بر این شق را ندیم سود و بهبودی ظاهر نگشت بلکه این ها که می شود از نتایج نمازهای روز جمعه و نوازه های شب جمعه ما و شامت. بین بعد بساط کهنه در چینی و طرح نوس در اندازید. از جوانان قابل و پیران کامل چند نفری که به کار خدمت آیند انتخاب کنید و هزار یک آنچه صرف این طایفه (ملایان) شد مصروف آنها دارید... عالی جاه میرزا مهدی در حقیقت یکی از امنای دولت و محارم حضرت ماست، دخلی بسه آن دارو دسته ندارد... اگر هم اسم آنهاست بحمدالله هم رسم نیست. به دانش آزان ها ملاتراست و بسه خدمت بالانتر... العیاذ بالله از کوه ملا که لوده خداست... مثل یا بوهای پر خورکم دو، آفت گاه و غارت جو. قربان افتندی های رومی و پادری های (= کشیش های) فرنگی بروند! نه آن علم و فضیلت داشتند که جواب پادری بنویسند، نه این غیرت و حمیت دارند که مثل افتندی های روم در مسجد و راه گلدست ببینند! خلق راه چنان که بالفعل روبه روی ما رانده اند! به حفظ ملک و حراست دین خودشان بخوانند.

ما شاء الله وقتی که پنجه دلیری می گشایند، تیغی که امروز بر روی سیاه عثمانی باید کشیده میسرزا امین امفهای می کشند، شکار خانگی و شعرا ردیوانگی را اعتقاد دارند. باری، حالا که به این شدت دلاور و دلیر و صاحب گرز و شمشیرند قدم رنجه کنند و با یغی پنجه کنند. رقم مبارک در این باب به افتخار شما صادر شده است و شما در هر باب مختار و قار و السلام... دیگر آثار قائم مقام که خوش بختانه به تاریخ حوادث نرفته دیوان شعراست که همراهِ مثنوی طنز آلود جلایر در جزوات نشا رات مجله ارمنان به چاپ رسیده است. قائم مقام جلایر نامه را به نام و عنوان غلام خویش جلایر سروده است و ایرج میرزا در بابیسان عارف نامه خویش تصریح می کند که سر مشق وی در سرودن این مثنوی جلایر نامه قائم مقام بوده است. قائم مقام به سال ۱۱۹۳ هجری مطابق ۱۱۵۷ هجری شمسی - ۱۷۷۸ میلادی تولد یافته بود و در وقت کشته شدن نزدیک پنجاه و هشت سال داشت.

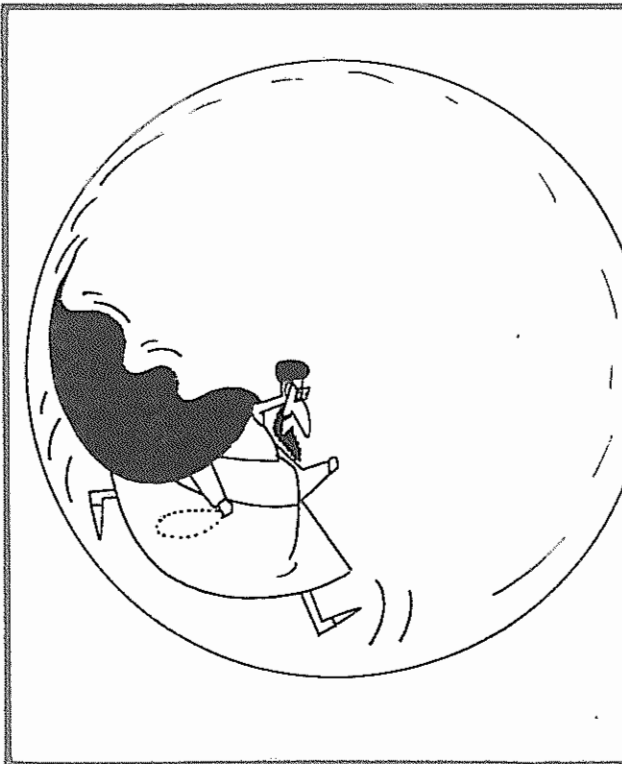
❖ فتاح در لغت به معنی بازگننده است. از این روی در کتیبه درهای ورودی خانه ها اغلب عبارت "هوالفتاح لعلم" (اوست بازگننده دانا) که از قرآن گرفته شده است دیده می شود. فتاح و علیم از صفت های خدای تعالی است. قائم مقام در این جاز سرائتقا دو طنز، میرفتاح را - که به نادانسی و بی سوادی شهرت داشته - فتاح غیر علمیم می نامد.

❖ گرفته شده است از این بیت خواجه حافظ: از قیل و قال مدرسه حالی دلم گرفت یک چند نیز خدمت معشوق و می کنم و آشنایان به سخن حافظ وسعدی می دانند که ایسن گونه بهره گیری از سخن بزرگان و آیات قرآنی و احادیث در نشر قائم مقام فراوان است.

(۱۲۵۵ شمسی / ۱۸۷۶ میلادی) به دستور و بیس میرزا پسر حاج فرهاد میرزا چاپ شد و انتشار یافت. مقدمه آن را محمودخان صبا ملک الشعرا دربارنا صراالمدین شاه نوشته بود. این مجموعه ده ها بار تجدید چاپ شد، و تنها چند سال پیش بود که یکی از نواده های قائم مقام، سرهنگ جهانگیر قائم مقام می مقداری قابل ملاحظه از نامه های تازه یافته قائم مقام را گرد آورد و در دوسه مجلد، جزء انتشارات دانشگاه تهران منتشر ساخت. اما شگفت تر این است که قائم مقام از با مداد، پس از گزاردن نماز صبح به کار ملک و تدبیرا مورکشوروتیه پول برای پرداخت مخارج جنگ و مانند آن مشغول و تا پاسی از شب گذشته درگاه این گونه تلاش های طاقت سوز بود، و تمام این نوشته ها را، که تنها آثار نشر فارسی است که در فاح و روانی و زیبایی پس از درگذشت شیخ اجل سعدی به حریم وی نزدیک شده است، در آخرین پاس شب و گاه چند ساعت از نیم شب گذشته، می نوشت و بی پیش نویس و پاک نویس تهیه کردن، شری بدین لطافت و طراوت بر زبان قلم وی جاری شده است. در حقیقت پاسخ نوشتن به نامه ها بخشی از وظایف دیوانی و اخوانی (= شخصی و خصوصی) قائم مقام بود و او این وظیفه را در آغوش، پس از فراغت یافتن از کار ملک به انجام می رسانید و "مُنشآت قائم مقام" حاصل انجام یافتن این وظیفه است.

چون در این گفتار جنبه فرهنگی و ادبی این مرد جلیل بیش از جنبه سیاسی وی مورد نظر است، آن را با نقل بخشی از نشر وی به پایان می آوریم. قسمت منشور گرفته شده از نامه های آستان که از زبان عباس میرزای ولی عهد به مردم تبریز، خاصه روحانی نمایان آن شهر که در جنگ ایران و روس خیانت را به اعلی درجه رسانیده بودند نوشته است. پس از شکست لشکر ایران از سپاه روس، فرمانده روسیان سپاه خود را جمع آورد و ایروان را گرفت و به سوی تبریز حرکت کرد. در این هنگام میرفتاح، پسر حاج میرزا یوسف مجتهد تبریزی که به گفته صاحب رسانه ناصر صوری جوانی کیوتریاز و در سلک رشود حیلست ساز... بود و بعد از زید به جای او پیش نمازی می نمود مردم شهر را به اطاعت از روسیه اغوا کرد و بر سر منبر زبان بسه دعای دولت امپراتوری روس برگشود و اباش شهر را برداشت و مستحفظان قلعه تبریز را غارت کرده آن ها را اخراج نمود. وقتی صدای توپ روسی آزدو فرسخی شهر شنیده شد میرفتاح علمی بر پا کرد و با اعیان شهر به استقبال سپاه روس شتافت و روسیان را با احترام تمام وارد تبریز کرد. "نامه قائم مقام خطاب به این جماعت، خاصه میرفتاح است: " (ولی عهد) ... می فرماند پهلوی های قند و موش، و قدح های افشرد و آش شامست که حضرات را هار کرده است. اسب عربی بی اندازه جومنی خورد، و اختسه قزاقی اگرده می یک جا بخورد بدستی نمی کنند، خلاف یا بوهای دودرغه (= دورگ) که تا قدری چو زیاد دید... اول لگد به بهتری که تیمارش می کنند می زند.

ای گلبن تازه خار جودت اول بر برای باغبان رفت



خویش در باره وی می نویسد: " خدا و خلق داند که ترتیب نظام و نظم، هر چه در ایران از واسط سلطنت خاقان (فتح علی شاه) تا واسط سلطنت محمدشاه ظهور و وجود یافت به کار رسانی پدرش یا کار رسانی خودش بود. و در باره سخن دانشی و روش بیان و نگارش وی می نویسد: " گویی از میدان بلاغت بود که سحرش خوانند و در جا دوگری او سخن ها را نداشتند. مگر سحر جرایم می کند که چند ده تن فرزند بی واسطه، خاقان که هر یک خود را برابر هزار تن می دانستند از حق سلطنت خود دست کشیده و چگون می با شکستگان در گوشه ای خریدند. " همان اعتمادالسلطنه میهارت قائم مقام را در امور سیاسی چنین می ستاید: " میهارت او در امور سیاسی معروف است و تشا بیر او بعد از فوت خاقان مشهور است. مثل فرمان فرما و ملک آرا و شجاع السلطنه و رکن الدوله و ظل السلطان و سایر عوهای محمدشاه را به وصف های مختلف بر سر جای خود نشانند. در علم و دانش و صدق و بیعتش و احدى را حرفی نبود. به علت سیادت و غرور او را متهم کردند که ده اعیه سلطنت در سردارد و حال آنکه امروز معلوم و آشکار است که چنین هوایی در سر نداشت است.

محمدشاه می خواست دانی خود آف الدوله را در کارهای مملکت دخالت دهد. سایر معاندان این معولات را می ساختند و از نقل این مقولات نامعقول هر روز بر کدورت خاطر محمدشاه می افزودند تا خرمن هستی او را بر باد داد و منظر سرتو بر آن دهانی که به پهنای فلک بود نهادند.

پس از قائم مقام تدبیر ملک در کف مردی نادان نهاد شد که محمدشاه به عنوان مرشد و معلم روحانی خویش بدو اعتقاد به کمال داشت و ملاحظه س ایروانسی معروف به حاج میرزا آقاسی است که با آن همه نادانی و بی خبری از آن که او را وزیر خطاب کنند یا صدرا عظم بنا کند اگر آه داشت و دولت خود را نزد محمدشاه بالاتر از این لقب ها می پنداشت. در نسخ التواریخ آمده است که: " اهلالی دول خارجه چون دانستند که حاج میرزا آقاسی لقب صدارت و وزارت را مکروه می دارد او را شخص اول ایران خطاب کردند و ایسن لقب را پسندید.

این شخص اول ایران " بانفوذ تانی که در مزاج محمدشاه داشت به شدت در برابر قائم مقام احساس حقارت می کرد و همواره می کوشید تا خود را در شعر و نشر و فضل و ادب و بلاغت بدو برساند و ممکن نبود. از همین روی وقتی قائم مقام را در باره نگارستان خفه کردند حاج میرزا آقاسی برای مهروموم کردن خانه و تصرف مایملک قائم مقام، البته به نفع دولت، به خانه او رفت و نخستین کاری که کرد این بود که آنچه نوشته به خط قائم مقام در خانه وجود داشت در آتش ریخت و از میان برد و این جنایتی بود به گمشان نویسنده این سطور، بزرگ ترا زکشتن شخص قائم مقام، چه وی اگر کشته هم نمی شد، سرانجام روزی چشم از جهان برمی بست و به گلزار جنتان می خرامید، اما میراث علمی و ادبی وی، و آنچه زاده طبع روشن و جان سخن آفرین وی بود بر جای می ماند و دست ما به کا تبان و طالبان ادب می شد. جلادان، وجود جسمانی و طبیعی قائم مقام را از میان برداشتند، اما حاج میرزا آقاسی کوشید تا قائم مقام واقعی، قائم مقام جاودان را بکشد و اگر در اجرای آن توفیق کامل نیافت، بیاری خون بخش بزرگی از دیوان و دفتر قائم مقام به گردن او بست.



شاه، یا قدرت بی حد و حصر

نوشته: رینار کایو حسکی

مصدق کبیر

Le Shāh
OU
La démesure du pouvoir

Lectures étrangères

را بخترمی اندازد و آرا مشان را بیسم می زند. ممی در برابر دیکتا توری سلطنتی قد علم کرد. امروز، بادشاها ن دیکتا تور یکی بس از دیگری فرومی افتند... اما مصدق سی سال پیش، زمانی که کسی جرئت حقیقت گویی نداشت، بسا دیکتا توری به مخالفت پرداخت. من، اورا با نژده روز پیش از مرگش دیدم. چه وقتی بود؟ باید فوریه ۱۹۶۷ می بود. اوده سال آخر عمر را درده کوچکی نه خیلی دور از تهران تحت نظر بود. مسلم است که ملاقات بسا او ممنوع بود ولی بس همه منطقه را زیر نظر داشت. اما در این کشور وقتی بدانی به چه کسی بسا پیدمرا جعد کنی ویول همداشته باشی همه کار میسراست. یول، همه قوانین انعطاف ناپذیر را نیسز نرم می کند. در آن وقت مصی باید نمود سالی عمری داشت، گمان می کنم برای این دراز زیست که میل داشت آن روز را که جریان زندگی به او حق میداد به چشم ببیند.

مدرسختی بود، در برابر دیگران سرسخت بود زیرا هرگز نخواست از راه خود برگردد. چنین مردی حتی اگر خود می خواست، نمی توانست عقب نشینی کند. تا آخرین لحظه عمر دهن بسا دار داشت و دقیقاً "میدانست چه می گذرد. با این حال دیگر بسختی و با تکیه به عضا از جا حرکت می کرد. می ایستاد و برای رفع خستگی روی زمین دراز می کشید. ما، مورانی که بدنیبال او حرکت می کردند، نقل کرده اند که یک روز صبح در هوای آفتابی از خانه برای گردش بیرون آمد و کوی بسا زمین برای استراحت دراز کشید. اما مدتی طولانی دراز کشیده باقی ماند. وقتی بلیس ها به او نزدیک شدند، دیدند که مرده است...

می پرسید که آیا "ممی" محکوم به شکست نبود؟ او شکست نخورد، او بیروز شده است. چنین مردی را نمیتوان از حافظه مردمان زدود، میتواند او را از دفتر دستگاه بیرون راند، اما از تاریخ نه. حافظه قلمروی خصوصی است که هیچ قدرتی را به آن دسترسی نیست. مصی می گفت زمینی که بر آن راه می رویم و آنچه از این زمین بدست می آوریم، از آن ما ست. هیچ کس در این کشور هرگز این گونه سخن نگفته بود. او همچنین گفته بود: هر کس در بیان عقاید خود آزاد است - من می خواهم از افکار و عقاید ملت با خبر شوم. می فهمید؟ پس از ۲۵۰۰ سال خودکا مگی، مصدق به ایرانی توجه می داد که او انسانی متفکر است. هیچ پادشاهی چنین نکرده بود! مردم آنچه را که مصدق میگفت بخاطر یاد آرند. کلماتش در حافظه شان حک شده است. بخاطر آوردن کلماتی که چشمان ما را بر دنیا بازمی کند، همواره بسیار آسان است. و این کلمات مصدق از اینگونه بودند.

چه کسی می تواند بگوید که "مصی" در آنچه گفته کرد و گفت، بدر کرده است؟ امروز همه می گویند که او حق داشت، اما مسأله این است که او زودتر از موقع حق داشت. نمیتوان پیش از موقع حق داشته باشیم بدون آنکه سوابق ویا زندگی ما ن به خطر نیافتد، حقیقت برای آنکه بخته و رسیده شود به زمان طولانی نیا زدارد و در این فاصله مردمان رنج می کشند و یا کورمال کورمال در بی خبری پیش می روند. هنگامی که مردی ناگهان فرامی رسد و حقیقت را پیش از آنکه همگانی شود فاش می گوید، قدرت مستقرا بین زندگی را فرومی گوید، او را می سوزاند یا به بندی کشد و یا به آزادی زند، زیرا او منافع قدرتمندان

ریزار کابوچینسکی، لهستانی متولد ۱۹۲۲، روزنامه نگار است. وی سالها بعنوان خبرنگار رونما ینده، روزنامه های لهستانی در اروپا سر برده است. آثار گوناگونی درباره جهان سوم و شوروی تألیف کرده است. دو کتاب اخیر او درباره هیله سلاسی امپراتور خودکا مگه اتیوی (جیش) و شاه ایران مورد توجه منتقدان آمریکایی و اروپایی قرار گرفته است. کتاب "شاه یا قدرت بی حد و حصر" که دو سال پیش به زبان انگلیسی طبع و نشر شده بود، اینک در بارسی به زبان فرانسه ترجمه و طبع شده است. کابوچینسکی درباره انقلاب ایران، انبوهی از عکس ها، مصاحبه ها و بریده های روزنامه ها را جمع آورده است و در یک هتل خالی از مسافر تیران در گرمای گرم انقلاب به تنظیم کتاب پرداخته است. "شاه یا قدرت بی حد و حصر"، بصورت شرح تصاویر و پرداخت مصاحبه ها و بازگشت به تباریح ایران فراهم آمده است و در مجموع زمانی مستند است که بنا به خصلت هرمان از تخیلات نویسنده نیز بهره ها می گیرد. در این شماره، بخشی کوتاه از کتاب را ترجمه کرده ایم.

از هر وقت دیگر وجود داشته باشد، این بدیده ای غریب است که هیچ خودکامه ای نمی تواند با آن مصالحه کند. هرس تا بجائی است که کبیا به سریع تر از هر زمان رشد می کند.

باز هرس کنید، زودتر می روید. یک قانون طبیعی که نیروبخش است. مصدق! انگلیسی ها به او "ممی" کبیر لقب داده بودند. مصدق، آنها را آشفته و دیوانه می کرد، اما با این حال او را بزرگی می داشتند. هرگز هیچ انگلیسی علیه او چیزی نگفت. سرانجام انگلیسی ها، او نیفورم پوش های ابله ما را راهبری طلبیدند. چند روزی بود که نظم خود را برقرار کردند! مصی به سه سال زندان محکوم شد.

این، بهایی بود که برای نجبات تخت و تاج پرداخت شد: با زگشتی دل زار، کثیف و خونین.

نوار ضبط صوت - شماره یک

بله، مطمئناً می توانید حرفهایم را ضبط کنید. امروز دیگر چون گذشته این موضوعی ممنوع نیست. هیچ میدانید که به مدت بیست و پنج سال بر زبان آوردن نام او در جمع قدغن بود؟ هیچ میدانید که از همه کتابها و متون تاریخی نام مصدق را زدوده بودند؟ اما امروز جوانان که گمان می رفت چیزی را و نمی دانند با بر سر دست گرفتن عکسش جان بختر می اندازند. این امر بهترین مثال درباره کسی است که بر سر دوباره نویسی تاریخ است. اما شاه این موضوع را نمی فهمید. نمی دانست که اگر بتوان مردی را این چنین از میان برداشت، با این حال او وجود و حضور خواهد داشت و شروع می کند که بیشتر

مسلمان خوانده نمی شود، اما پس از اقرار به آن، هیچ کس جز خدا نمی تواند درباره خلوص اعتقادی شخص مسلمان شده داوری کند. (۰۰۰)

اما در عوض اینهمه ببینیم چه منظره ای در برابر ما ست. در مصر مسلمان تندرو را می بینیم که معتقدان به این شعار را که "اسلام در نماز و روزه و حج خلاصه می شود" موه من نمی دانند. آنگاه خواستار اجرای شریعت یا قاننون اسلامی اند و می خواهند که قوانین اسلامی درباره طلاق، شرب خمر، قصاص و غیره جاری شود.

در عمر پیامبر تنها به سه بار نماز خواندن اکتفا می شد. بعدها این سه نوبت به ۵ نوبت افزایش یافت، اما پیروی از دستور اولیه همچنان "قابل قبول" شمرده می شد. پیامبر، گرچه بر نماز جماعت که در مسجد و نیز در جمعه انجام می شود تأکید بسیار می ورزید، اما از سوی دیگر بر نمازهایی که شخصی در خانه می خواند و در آن زونیا ز با خدای خود نقش ایمان بر قلبش حک می شود، تأکید بسیار داشت. اما امروز کیست که بر اهمیت و وجوب این خلعت با نسان مسلمان با خدای خود که در دین اسلام آن همه مهم است، اشاره ای کند؟ (۰۰۰)

را به سینه می زندند برای گناهانی چون دزدی، راهزنی، زنا و ارتداد بی هیچ گذشت و چشم پوشی همان مجازات های رایجی که بنده در قرآن و در هر هزار و چهار صد سال پیش تعیین شده است. و گوئیا فراموش کرده اند که کتاب آسمانی همواره بر ضرورت و فضیلت توبه و بخشایش و گذشت و آمرزش تأکید کرده است. مگر نه آنکه خداوند "رحمان و رحیم" است؟ مجازات بریدن دست دزدان که از بقیه مجازات ها معمول تر است به دین اسلام چهره ای سفاک و عقب افتاده بخشیده است، تا چه رسد به سنگسار زنا کاران؛ مجازاتی که به مسراتب سبانه تر که تازه در قرآن هم به آن اشاره ای نرفته است. (۰۰۰)

برای مسلمانان، سرچشمه احکام مذهبی، منبع وحی الهی با قرآن است، اما علاوه بر قرآن، احادیث یا سنن نیز وجود دارند که همگانه با قرآن و کردارهای پیامبرند که بیرون از کتاب و وحی الهی قرار دارند. در مجموعه های احادیث گردآورده علمای اسلامی، حتی پس از حذف های بسیاری که در آنها صورت گرفته با زشمسار احادیث سربه هزاران می زند که احتمالاً تنها برخی از آنها ارزش مستند و تاریخی دارد. احادیث، مصدق یا به کذب، هرگز نفوذ و اهمیت سخنان آسمانی را ندارند. پیغمبر خود در جای می گوید: "از من تنها قرآن را بر گیرید."

اکنون ببینیم که مطابق تعالیم قرآنی اصول ایمانی و سلوک اسلامی چیست. این اصول بر سه رکن استوارند: رکن اول اقرار به ایمان یا شهادت است که بر اساس آن، موه من باید بگوید: "جز خدا، خدای نیست، و محمد پیامبر او ست." رکن دوم نماز است که در روز ۵ بار ادا می شود. رکن سوم، روزه ماه رمضان است. رکن چهارم زکاة مال یا مالیات اسلامی و رکن پنجم حج یا زیارت خانه کعبه است. از این ۵ رکن، شهادت مهمترین آنهاست که بدون ذکر آن کسی

پیامبران کذاب

و از این آیه این نتیجه دور از ذهن می گیرند که پس چادریا حجاب حتمی است، در حالی که این رسمی است که عرب ها بر ایرانیان تحمیل کردند. ما ندر رسم پرده نشینی که حکایت از زندگی جدا افتاده زنان پرده نشین می کند. قشربون نه تنها به تحمیل قوانین من در آوردی و غیر قرآنی خود قناعت نمی کنند، بلکه حتی بعضی از احکام قرآن را به سلیقه خود تعبیر می کنند. در فوریه ۱۹۸۵ اگر گروه های حزب الله موفق شده بودند که کنترل شهرهای "صور" و "صیدا" را بنام "اسلام عزیز" در دست گیرند، روز تعطیل یکشنبه را به جمعه تبدیل می کردند، اما در قرآن حتی با تعیین روز سبت هم مخالفت شده است و فقط به این تذکر قناعت شده که نماز جماعت روز جمعه از این جهت که مسلمانان را گرد هم می آورد، اهمیتی ویژه دارد. و نیز برای شرکت در این نماز باید مسلمانان دست از کار بکشند.

تعبیر چریک های مسلمان لبنانی از احکام قرآن درباره "حرمت شرب خمر" صحیح است. مسلمان واقعی، چه خوش بیاید، چه نیاید، جز آب نیساید بیا شامد. همچنین در اسلام ربا خواری، قمار بازی، اکل گوشت خوک و چهره نگاری حرام است. اما حرمت آخرین، یعنی چهره نگاری در بسیاری از کشورهای مسلمان زیر پا نهاده شده است. در این کشورها تصویر چهره های رهبران و دولتمردان است که در پی هم برچمها و برتمبرهای پستی نقش می بندد. همین دولتهایی که سنگ اسلام و مسلمان

دین اسلام را برخی از مسلمانان و بویژه گروه های افراطی کینه مدعی پیروی از آنند، بد معرفی کرده اند. چه بسا احکام و قواعدی که با صفت "اسلامی" توصیف می شوند، اما هیچ وابستگی و پیوستگی با "مسلمانان" ندارند. از جمله آنکه تصویری رود که مسلمان موه من با بدحتما "ریش داشته باشد، گیریم که این ریش پروپییمان باشد، از نوع ریش آقای خمینی، یا بزی و پرفسور ما به سبک ریش آقای شیخ زکی یمانی، حال آنکه در قرآن هرگز هیچ جاسختی از وجوب ریش گذاشتن نرفته است. البته احتمال دارد که گذاشتن ریش به تقلید از پیغمبر اسلام مدیده باشد، اما همین تقلید از صفات ظاهری بجای خصلت های باطنی خود نوعی بت پرستی است که پیغمبر اولین مخالف و معترض آن بود. از شنیدن نام مسلمان موه من فوراً مردی تعلین پوش و عمامه سرو عیا بر دوش در نظرمان می آید، حال آنکه در این مقوله نیز قرآن هیچ نسخه و دستوری ما در نکرده است. عبا و عمامه تنها یک رسم پوشش اعراب است و بس. و اسلام مذهبی نیست که خطاب به منطقه و مردمی خاص داشته باشد، بلکه روی سخن آن با همه آدمیزادگان است.

درست همین قضیه درباره پوشاک زنان صادق است. در این باره معمولاً به سه سوره ۲۴ (آیه ۳۱) رجوع می دهند که می گوید: "به زنان موه من فرمان ده که چشمان را به زمین بدوزند (جز پیش پای خود ننگرند) و نجیب باشند. زیورهایشان را به تماشا نگذارند و سینه ها شان را بیوشانند."

تصحیح

در مقاله "سیاست گشایش و مدارا جویی گورباچف"، نوشته آقای احمد میر - فندرسکی که در شماره گذشته به چاپ رسید، صدور ریگانیزم به غلط "حدود ریگانیزم" و استقبال گرمی، به نا درست "استقبال گرمی" آمده بود. با پوش از خوانندگان گرامی، این دو اشتباه چاپی تصحیح می شود.

طی آبان ماه ۱۳۳۵ وقتی معلوم شد که از سواطین جرج مکی نیز نتیجه‌ای بدست نخواهد آمد فکرتا زه‌ای به احتمال قوی بنا بر ابتکار دولت آمریکا مطرح گردید. از این قرار که بانک بین‌المللی عمران و توسعه یا بانک جهانی از لحاظ مرام و امکانات سازمانی خود در وضعی قرار دارد که می‌تواند در نقش یک عامل موقت به رفع بحران کمک کند. بانک مزبور یکی از موسسات تخصصی وابسته به سازمان ملل است که طبق اساسنامه خود با سرمایه‌های وسیع و تجهیزات گوناگون در اختیار دارد به صورت‌های مختلف به توسعه اقتصادی کشورهای کم‌توسعه از قبیل دادن وام برای اجرای طرح‌های عمران یا گذاردن کارشناسان فنی در اختیار دولت‌ها می‌تواند. میانجی‌گری در مذاکرات مربوط به عقد قراردادها با توجه به این شرایط و بخصوص اینکه در آنجا بحران نفت ثبات اقتصادی را برقرار می‌کند و به خطر انداخته‌بود پدیدایش فکرتوسل به بانک جهانی برای کمک به رفع بحران کاملاً طبیعی بود.

در واسط آبان رئیس بانک جهانی از سفیر پاکستان درخواست کرد که زمینه مذاکره او را با دکتر مصدق فراهم کند و چون دکتر مصدق اصولاً با یادداشت‌های بانک مخالفت نداشته و روز ۱۸ آبان را بابت گارنتر Robert GARNER قاضی مقام رئیس بانک به دیدن او رفت و اظهار کرد که چنانچه دولت پاکستان ایران و انگلستان که هر دو عضو بانک هستند از بانک درخواست کنند بانک حاضر خواهد بود بدون ورود در مباحث اختلاف و به طرزیکه مورد توافق طرفین باشد یک ترتیب موقت برقرار کند که نفت ایران دوباره به جریان بیفتد و زمینه حل نهایی اختلاف فراهم شود. گارنر کلیات ترتیبی را هم که برای وساطت بانک در نظر داشت به این شرح بیان کرد که بانک یک مؤسسه عالی تحت مسئولیت خود تشکیل دهد که بانک‌های که با بانک در اختیارش خواهد گذاشت صنعت نفت ایران را اداره کند و به این منظور کارشناسان انگلیسی را به کار برگرداند و نفت تولیدی را به قیمت مرضی طرفین به شرکت سابق فروخته قسمتی از درآمد فروش را در حساب سپرده‌ای برای تصفیه غرامت شرکت نگاه دارد. دکتر مصدق در مراجعت به ایران در جلسه ۱۹ آذر مجلس شورا اشاره به مداخله احتمالی بانک نمود ولی گفت یک شرط که بانک بنا به تلقین دولت انگلیس طرح کرده است قابل قبول نخواهد بود. یعنی برگرداندن انگلیسی‌ها به کار رفتن وی در توضیح علت رد این شرط گفت: "من هر قدر فکر می‌کنم ما برای تحصیل این استقلال غیر از آنچه برای انگلیسی‌ها از جنوب ایران کار دیگری نکرده‌ایم. بنا بر این اگر من حاضر شوم ملت ایران هیچوقت حاضر نیست استقلال را که با این همه فداکاری بدست آورده است به این آردست بدهد."

پس از عزم دکتر مصدق از آمریکا بانک جهانی نمایندگان برای مذاکره با دولت انگلیس و شرکت نفت به لندن فرستاد و بعد از حصول اطمینان از موافقت اصولی آن‌ها و نیز اطلاع از اینکه دولت ایران نیز بر اصولاً با مداخله بانک موافقت دارد دو نفر نماینده یعنی عضو ارشد اداره اعتبارات خود موسوم به هیکتور پرودم Hector Proddum و بانک کارشناس امور نفتی به نام تورکیلد ریبر Torikild Ribber را برای کسب

اطلاعات دقیق راجع به وضع تاسیسات نفتی به ایران فرستاد این دو نفر روز ۱۶ دیماه ۱۳۳۵ وارد تهران شدند و تا ماهی به تاریخ ۶ دیماه از طرف رئیس بانک جهانی خطاب به دکتر مصدق همراه آوردند و طی ملاقات‌هایی که با دکتر مصدق و مشاوران دولت نمودند در اطراف نکات عمده مداخله احتمالی بانک در کار نفت ایران که اصولاً آن در نامه مزبور ذکر شده بود توضیحاتی دادند. مفاد نامه مزبور بطور خلاصه به شرح زیر بود:

"بانک در نظر ندارد بطور دائم و به عنوان یک عمل بازرگانی وارد صنعت نفت شود و پیشنهاد دادمی هم عرضه نمی‌کند بلکه فقط می‌خواهد یک ترتیب موقت برای برآوردن احتیاجات نفت پیشنهاد کند که کمی آنکه به حقوق طرفین زیانی وارد آورد جریان نفت راتا مین کند. منظور اساسی اینست که یک طریقه عملی اتخاذ شود که متضمن حسن اداره صنعت نفت ایران باشد و بنا بر این بانک رعایت اصول زیر را لازم می‌داند:

- الف - عملیات تحت مدیریت هیئت آژانس‌های بی طرف که به وسیله بانک انتخاب می‌شوند مسئول بانک خواهند بود و خواهی‌شود در استخدام و عزل کارمندان آزاد نخواهد بود. ولی فقط در حدود ضرورت می‌تواند کارمندان غیر ایرانی استخدام کند و کلیه اعضای هیئت مدیره و کارمندان مسئول بانک خواهند بود.
- ب - بانک دارای اختیارات کامل برای تاسیس حسن اداره عملیات خواهد بود.
- ج - خدماتی که بانک انجام خواهد داد جنبه موقت خواهد داشت و خدش‌های به حقوق طرفین وارد نخواهد ساخت.
- د - بانک در ازای خدمات خود انتظار رسو نخواهد داشت ولی باید از هرگونه احتمال ضروریان مصون باشد.
- ه - بانک مادام که در آمکا فی از عملیات تحصیل نشود وجوه لازم را برای جریان کارها فراهم خواهد ساخت و بعد از محل درآمد منصفت برداشت خواهد نمود.
- و - بانک قرارداد برای صدور کلیه نفت و توزیع آن از طریقیکه هم‌اکنون موجود می‌باشد منعقد خواهد نمود.
- ز - وجوه حاصل از فروش بس از وضع هزینه‌ها به صورت زیر تقسیم خواهد شد: یک قسمت به ایران و یک قسمت به خریدار رکل پرداخت خواهد شد و بقیه بطور امانت نزد بانک خواهد ماند.
- ح - این ترتیب برای مدت ۲ سال مقرر خواهد شد. ولی به توافق طرفین قابل تمدید خواهد بود.

فواد روحانی

۳۰

مصدق و نهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست

پیشنهادهای مخالف استقلال ملی

در پایان نامه اضافه شده بود که مطالب دیگری مخصوصاً موضوع قیمت و تناسب تقسیم درآمد باقی است که بعد باید به تفصیل مورد بحث قرار گیرد. ولی هیئت مدیره بانک لازم می‌دانند اول نظر دولت ایران را در باره اینک آبان نظر بر تاسیسات اصولاً مورد موافقت هست یا نه بدانند. جوابی که دکتر مصدق در تاریخ ۱۲ دی به نامه بانک داد بیشتر درخواست توضیحاتی در باره شرایط پیشنهادهای بانک بود ولی دو نکته مهم نیز در برداشت که با پیشنهادهای بانک وفق نمی‌داد. یکی اینکه طرف معامله نباید در درآمد فروش سهمی شود بلکه باید نفع خود را از طریق خرید نفت با تخفیف دریافت نماید. دولت ایران و طبق دستور دولت ایران عمل کند. این دو شرط و استثنائاتی که دکتر مصدق طرح کرد در واقع رد پیشنهادهای بانک بود. ولی نه دکتر مصدق و نه بانک از تعقیب موضوع منصرف نشدند. چون هر طرف تصور میکرد که طرف دیگر را برای تغییراتی در نظر خود بساقتی گذاشته است ولی بعد معلوم گردید که چنین نیست.

نمایندگان بانک چند روز بعد از ورود به تهران همراه با دو نفر از مهندسان شرکت ملی اعزام آبادان شدند و پس از بازدیدها سیات نفت درآمد یک هفته روز ۲۱ دیماه به تهران بازگشتند و ضمن ملاقات با دکتر مصدق از مشاورات خود و از طرف کارشناسان و مشاوران بانک و کارشناسان ایرانی و توانائی آن‌ها در اداره امور عملیات میزبان محدود اظهار رضایت کامل و اطمینان نمودند و گفتند مراتب را از همان قرار بر روی پای بانک گزارش خواهند داد. آن‌ها روز ۲۳ دیماه به آمریکا مراجعت کردند و چون تمادفا در همان موقع چریل نیز به آمریکا فرستاده اولیای بانک او را از جریان مسافرت نمایندگانشان به ایران آگاه نمودند و وعده داد که در مراجعت به لندن موضوع را در هیئت وزیران مطرح و زمینه را برای مداخله بانک مساعد کند. بررسی موضوع بین دولت انگلیس و شرکت نفت دو هفته به طول انجامید و سپس نتیجه آن به بانک جهانی اعلام شد. اما آنچه در آن موقع آیدن (Liden) اظهار کرد معلوم بود که دولت انگلیس نسبت به وساطت بانک باطناً خوش بین نیست. این روز ۱۵ بهمن ضمن نطقی که در پارلمان ایراد نمود گفت: "در خصوص ایران گزارش امیدبخشی ندارم. پاسخ اول دولت ایران به بانک بین المللی چندانی امیدبخش نبود. با این حال بانک در کاری که پیش گرفته یا فشاری دارد و مصمم است بدانند چه کمکی می‌توانند بکنند تا کار را از این مرحله بن بست خارج سازند."

بانک جهانی پس از دریافت نظریات دولت انگلیس و تطبیق آن با موقعیت خود در تاریخ ۲۱ بهمن ۱۳۳۵ میسپونی به ریاست گارنر و عضویت هکتور پرودم و کلارک Clark مشاور حقوقی و لیپ کوتیز Lipkowitz) مشاور اقتصاد با بانک تهران اعزام نمود تا امکان عملیات بانک را با در نظر گرفتن نتیجه مذاکرات لندن به اطلاع دولت ایران برسانند. اما مبردگان طی هشت روز با دکتر مصدق و مشاوران فنی دولت مذاکره کردند. ولی به بالاخره معلوم گردید که بین طرحی که بانک پیشنهاد می‌کرد آنچه دولت ایران می‌توانست قبول کند فاصله به اندازه‌ای زیاد است که حصول توافق امکان پذیر نیست. روز ۳۰ بهمن گارنر و پرودم تهران را به مقصد لندن ترک کردند تا در باره نظریات دولت ایران در برابر پیشنهادهای بانک با شرکت نفت و دولت انگلیس مذاکره کنند. این مذاکره دو هفته و روز به طول انجامید ولی منجر به هیچ گونه تعدیلی در خط مشی مقامات مزبور نگردید. پرودم روز ۱۳ اسفند به تهران مراجعت کرد و جریان مذاکرات لندن را به تفصیل ولی مشاوران دولت و اعضای هیئت مختلط در میان گذاشت ولی نتوانست نظرات را از راه بربرقا به صل قبول نبودن شرایط پیشنهادی تغییر دهد.

دکتر مصدق سوکمیسیونیی از اعضای هیئت مختلط و مشاوران دولت تشکیل داد که آخرین وضع پیشنهادی بانک را مورد بررسی قرار دهند و از قرآئینی که در دست هست معلوم می‌گردد که وی شخصاً "مایل بسود راهی برای سازش با بانک پیدا شود و اگر بانک مادامی بیشتری برای رفع اشکالات دولت نشان می‌داد ممکن

بود مذاکرات به نتیجه برسد. ولی بدیهی است که علت اصلی عدم آمادگی بانک سختگیری‌های دولت انگلیس و شرکت نفت بود. بعضی چنین اظهار نظر کرده‌اند که دکتر مصدق از ابتدا تعدد در رد پیشنهادهای بانک داشت ولی برعکس حقیقتاً مرا بنست کسسه او حتی الامکان می‌خواست نظر مشاوران را به سمت موافقت با نمایندگان بانک سوق دهد. عبارتی که در زیر نقل می‌شود حتی ممکن است حمل بر قصد اعمال نفوذ از طرف او به نفع قبول پیشنهاد بانک شود. صورت جلسه مذاکراتی که روز ۱۸ اسفند در منزل نخست وزیر با حضور اعضای سوکمیسیون پیرامون گزارش پرودم صورت گرفت چنین می‌گوید:

"در باره گزارشی که قرائت شد مذاکرات مفصلی بعمل آمد. نخست وزیر در خاتمه بحث و مذاکرات گفتند که اگر مهندس حسینی که با پیشنهادها این‌ها مخالف هستند راه حلی دارند بگویند. اینطور که بنظر می‌رسد یا با دیدن آمریکا می‌تواند و یا بانک بین المللی قضیه را حل کرد یا بعداً با خود انگلیسی‌ها و شق سوم هم اینست که صنعت نفت را تقریباً بخوابانیم چون در ظرف ده ماه حتی یک قطره هم نتوانستیم مادرکنیم یعنی نگذاشتند. در آتی هم اگر بتوانیم به مقدار بسیار کمی خواهد بود. اگر وضع بی پولی و بی‌کاری ادامه یابد بدبیم خطر برای مملکت می‌رود. اگر مهندس حسینی راهی بنظرشان می‌رسد بگویند چون ایشان ساکت ماندند قرار شد که سوکمیسیون تشکیل و با آمریکا می‌تواند مذاکرات را نموده سعی کنند تا حد بریده شدن مذاکرات در قبولاندن نظریات دولت یا فشاری نمایند."

ولی بالاخره سوکمیسیون چون نتوانست موافقت نمایندگان بانک را با نظریات اساسی ایران جلب کند مذاکرات را قطع کرد و دکتر مصدق با تأیید تصمیم سوکمیسیون قبول پیشنهادها را با بانک را مناقشی با استقلال کشور تلقی نمود. بعضی کسانی که به بحث در باره وقایع گذشته و قضایات در مورد جریان تهران می‌نویسند می‌گویند که پیشنهادهای بانک بهترین وسیله تاسیس می‌شد. این تعبیر مطلقاً ناموجه و ناشی از عدم توجه به کیفیت شرایط پیشنهادی بانک است.

اینک ما محتویات طرح پیشنهادی بانک را با ذکر نظریات نمایندگان ایران را در برقراری قابل قبول نبودن آن شرح می‌دهیم.

۱- دستگاه مدیریت

بانک با پیروی از نظر شرکت نفت و دولت انگلیس لازم می‌دانست یک دستگاه مدیریت تحت نظارت خود برقرار کند. و چون بنا بر تجدید بهره برداری به میزان حداکثر می‌گذاشت می‌خواست بین ۵۰۰ و ۱۰۰۰ نفر کارشناس خارجی استخدام کند که تعدادی از آن‌ها از کارمندان شرکت سابق باشند. بانک نظر نمایندگان ایران را در باره اینک در وهله اول بهره برداری به میزان کمی که نیازمندی ایران را رفع کند یعنی سالی ده میلیون تن کفایت خواهد کرد و تولید در این حدود به‌گواهی نمایندگان بانک برای کارشناسان ایرانی شرکت ملی ممکن خواهد بود تصدیق نمی‌کرد و مداخله خود را از لحاظ اقتصادی مستلزم ترتیب بهره برداری به مقیاس بزرگ می‌دانست. همچنین در مورد مخالفت ایران با استخدام انگلیسی‌ها اظهار می‌کرد که سه از طرفی کمبود کارشناسان نفتی در سطح جهانی استفاده از انگلیسی‌ها را مخصوصاً به علت سابقه آن‌ها در صنعت نفت ایران ایجاب می‌کند و از طرفی هم در حال ما هیئت بین المللی بانک مانع از آنست که در مورد عملی که به نام بانک اجرا می‌شود تبعیض یکسانی از کشورهای عضو بانک از امکان شرکت در آن عمل محروم شوند. نمایندگان ایران اظهار می‌کردند ایجاب چنین دستگاهی شرط قرار گرفتن عملیات در دست ایران راتا مین نخواهد کرد. زیرا مدیریت بر طبق قانون ملی شدن باید در دست شرکت ملی باشد نه در دست یک سازمان خارجی. مخالفت ایران با استخدام کارمندان انگلیسی شرکت سابق نیز از جهت بود که کارمندان مزبور از قبول استخدام در شرکت ملی استنکاف کرده بودند. ولی ایران موافق بود با اینکه بانک در حدود ۲۰۰ نفر از اتباع انگلیسی را که سابقه خدمت در ایران نداشته باشند استخدام کند. در هر حال بعلمت این اختلاف نظرها در این مورد موافقت حاصل نگردید.

۲- فروش نفت

بانک پیشنهاد می‌کرد که دستگاه مدیریت با همکاری شرکت ملی نفت ایران نفت را به میزان قابل از ملی شدن تولید کرده و به بانک تحویل دهد و بانک آن را به نرخیکه قبلاً تعیین شده باشد بخریدار عمده (در واقع به شرکت سابق) بفرود. دولت ایران می‌خواست به شرکت مزبور مقدار تولید (ده میلیون تن در سال) را بخرد مستقیماً آزادانه بفروشد و به این ترتیب وارد بازارهای جهان شود. اما بانک فقط موافقت می‌کرد که دولت ایران بتواند یک دهه تولید را آن‌ها به نفع خودی که با خریدار عمده معامله می‌شد بلکه به نفع خلیج فارس یعنی بدون تخفیف (که ممکن نبود مشتری برای آن پیدا شود) بفروشد. بدیهی است که این شرط برای ایران قابل قبول نبود زیرا غرض از آن این بود که دولت ایران نتواند هیچ مقدار از نفت تولیدی را در بازارها عرضه کند.

درگیری حزب

جمهوری و اتاق بازرگانی

جدال و درگیری میان دولت اسلامی و هیئت رئیسه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن که ناشی از گرایش های اقتصادی متضاد در میان وابستگان به جمهوری اسلامی است، اخیراً "با درج مقاله ای زیر عنوان " اتاق بازرگانی بی صنایع و معادن " در روزنامه جمهوری اسلامی، انعکاس یافت.

در این مقاله، روزنامه ضمن متهم ساختن اتاق بازرگانی به باج خواهی از دولت اسلامی، می نویسد: اتاق بازرگانی در برگیرنده همه بخش خصوصی نیست و می افزاید: "آیا جای آن هست که مسئولین اتاق بازرگانی خود را بلندگوی بخش خصوصی کشور قلمداد کرده و از حساب " مشارکت مردم " یا بخش خصوصی خرج کنند. قطعاً نه! و پیشنهادها دهائی که از سوی اتاق بازرگانی ما درمی شود چیزی نیست که همه اعضای تحت پوشش این اتاق پذیرفته باشند و اصولاً پیشنهادها و قطعنامه های از این دست را تنها بعنوان نقطه نظرهای هیئت رئیسه اتاق می توان تلقی کرد.

روزنامه جمهوری اسلامی با اشاره به یکی از قطعنامه های اخیر اتاق بازرگانی می نویسد: "در این قطعنامه هیچ نقشی به تولید و معادن صنایع و معادن داده نشده و هر چه هست بر حواله و حوش تجارت و دلار می گردد. مسئولین اتاق بازرگانی درخواست های را مطرح ساخته اند که گویا کلید نجات اقتصاد کشور را بدست دارند و شایدهمین ذهنیت های غلط منجر به این شده است. صراحتاً اتاق بازرگانی با چنین مراحتی از دولت و انقلاب اینگونه باج خواهی کنند."

با آوری می شود، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن توسط تحولات اسلامی به ریاست علی نقی خاموشی اداره میشود. اتاق بازرگانی در تهران و شهرستانها، دارای شبکه ای بهم پیوسته است و گرچه در ظاهر نقش اجرائی در دولت ندارد، همه امور تجارت، از جمله صدور کارت بازرگانی از مجرای آن صورت می گیرد. در یکی از گردهمائی های اخیر اتاق بازرگانی، علی نقی خاموشی رئیس هیئت مدیره اتاق بازرگانی هشدار داده بود که با ادامه وضع اقتصادی فعلی و ادامه رونق تعطیل واحدهای تولیدی، شما ربیکا را در جمهوری اسلامی به مرز چهار میلیون خواهید رسید که با احتساب خانواده های ربیکا را بزرودی ۱۶ میلیون نفری با فقدان درآمد رو برو خواهد شد.

از سوی دیگر، وجود دیدگاه های مختلف و متضاد میان دست اندکاران دولت اسلامی و گردانندگان اتاق های بازرگانی که نمایندگانی هم در مجلس شورای اسلامی دارند، این حدس را تقویت می کند که دولت اسلامی می خواهد اتاق های بازرگانی را همان گونه که با سازمان نظام پزشکی برخورد کرد، برخورد کند، یعنی با تصفیه هیئت رئیسه آن و گماردن افراد نزدیک و متمایل به دولت، امورات اتاق بازرگانی را در دست بگیرد. زیرا گردانندگان فعلی اتاق بازرگانی که یکی از اعضای مؤثر آن حبیب الله عسگر اولادی وزیر پیشین بازرگانی است به شدت با سیاست های اقتصادی دولت اسلامی به ویژه در زمینه ما در اتا واردات مخالف است و دولت اسلامی به نوبه خود ترکیب هیئت رئیسه اتاق را مزاحم خود تلقی می کند.

سوریه - عراق

واشنگتن پست در گزارشی زیر عنوان " جمهوری اسلامی برای پیش گیری از آشتی سوریه و عراق، اهرم نفت را به کار می برد "، به نقل از دیپلمات های عرب و غربی می نویسد:

جمهوری اسلامی، نفت را برای سوریه را از سر گرفته است، زیرا بر آن است که از آشتی دمشق - بغداد گسسته از پشتیبانی جهان عرب برخوردار است، مانع از عمل آورد، اما در این میان، منابع سوری خاطرنشان ساختند که حافظ اسد به رغم لغو برنا مصلحت ملاقات وزیران امور خارجه سوریه و عراق در آخرین لحظه در روز جمعه گذشته، با اصل آشتی با بغداد مخالفت نوزیده است.

واشنگتن پست می نویسد: روابط گرم میان دمشق و بغداد، می تواند سر نوشت جنگ شش ساله خلیج فارس را دگرگون سازد و نیز می تواند کلید حل مشکل برگزاری کنفرانس سران عرب گردد.

روزنامه امریکائی در ادامه گزارش خود می نویسد: سوریه و عراق، دلیل لغو آخرین لحظه برنا مصلحت وزیران خارجه خود را اعلام نکردند، اما دیپلمات ها و تحلیل گران عرب و غربی اظهار می دارند که سوریه ترتیب نفتی جدید جمهوری اسلامی را احتمالاً " برای دریافت پول بیشتر از عربستان سعودی و دیگر کشورهای ثروتمند عرب در برابر بهبود روابطش با عراق به کار می برد. منابع سوری گفته اند میزان تحویل مجدد نفت از سوی رژیم تهران به دمشق، به خودی خود برای پیش گیری آشتی عراق - سوریه کافی نیست و سوریه هنوز برای سامان دادن به اقتصادش و دیگر کشورها نیاز دارد که تنها عربستان سعودی، و چند کشور ثروتمند عرب دیگری توانند به آن پرداخت کنند.

درخواست اشتراك

بهای اشتراك: يك ساله ۲۴۰ فرانك فرانسه -

شش ماه ۱۲۰ فرانك فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجانب (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین)

نام خانوادگی: Nom

نام: Prénom

آدرس: Adresse

ما بایم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال () به مبلغ ... فرانك فرانسه به حساب بانکی نشریه ... به حساب پستی نشریه ... قبض رسید به ضمیمه ارسال می گردد.

تاریخ امضاء

(علاقه مندان که قادر به پرداخت وجه اشتراك نیستند، می توانند بوسیله ما بنویسند تا وجه اشتراك آنها از محل کمک های دیگران تاءمین شود)

شماره حساب پستی:

QYAM IRAN
C.C.P No: 2400118/E
PARIS

شماره حساب بانکی:
QYAM IRAN
Crédit du Nord
78, Rue de la Tour
75116 Paris
Compte No: 11624700200

تلفن خبری

همه شبان عزیز!
هر روز تلفن خبری نهضت مقاومت ملی ایران شماره در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد.
شماره تلفن:
۸۵ - ۸۵ - ۲۶ - ۲۲ پاریس

بقیه از صفحه ۹

۳ - مسئله قیمت

در تاریخ مذاکرات با بانک جهانی قیمت نفت خلیج فارس بشکله ای ۱۷۵ سنت بود اگر بر طبق رژیم پنجاه پنجاه معمول در سایر کشورها عمل می شد عایدی ایران بالغ بر نصف درآمد خالص (قیمت منتهای بشکله ای ۳۰ سنت هزینه عملیات تقسیم برد) یعنی بشکله ای ۲۲/۵۰ سنت می گردید. دولت ایران اصولاً معامله با خریدار بر اساس تقسیم درآمد نامی پذیرفت بلکه می خواست معامله مبنی بر فروش با تخفیف مناسبتی در قیمت باشد و در حدود ۲۰ درصد تخفیف قائل شود. یعنی نفت را به نرخ بشکله ای ۱۴۰ سنت به خریدار تحویل دهد که در آن صورت عایدی ایران بالغ بر بشکله ای ۱۱۰ سنت می شد اما بانک بشکله ای ۵۸ سنت (۳۳ درصد) تخفیف می خواست یعنی پیشنهاد می کرد که قیمت را به نرخ بشکله ای ۱۱۷ سنت برای فروش به خریدار عمده از شرکت ملی تحویل بگیرد که در آن صورت درآمد خالص دولت بالغ بر بشکله ای ۸۷ سنت می شد ولی بانک می خواست از این مبلغ ۲۷ سنت به عنوان سپرده غرامت نگاه دارد که با نتیجه درآمد ایران به بشکله ای ۵۰ سنت تنزل می یافت. نمایندگان ایران نه به اصل تصفیه درآمد تسلیم می شدند نه حاضر بودند ۳۳ درصد تخفیف قائل شوند. در مورد نفت تصفیه شده نیز دولت حاضر بود آن را با تخفیف ۲۵ درصد از نرخ متوسط خلیج مکزیک یعنی بشکله ای ۲۰۶ سنت بفروشد. ولی بانک پیشنهاد می نمود که بهای نفت تصفیه شده بر اساس همان بهای تخفیف یافته نفت خام با اضافه بشکله ای ۵۰ سنت از بابت هزینه تصفیه ۳۰ سنت حق العمل حساب شود که نتیجه آن بشکله ای ۱۷۰ سنت می شد (۱۱۷ + ۵۰) در صورتی که نرخ متوسط خلیج مکزیک ۲۷۵ سنت بود و به این ترتیب بانک تقریباً ۴۰ درصد تخفیف می خواست.

مصدق
نهضت ملی ایران
درکشاکی چپ و راست
پیشنهادهای مخالف استقلال ملی

رادیو محلی نهضت - واشنگتن

رادیو ایران - رادیو محلی نهضت مقاومت ملی ایران تا حدی واشنگتن - ویرجینیا - مریلند یکشنبه ها - از ساعت ۱۰ تا ۱۱ با مداروی موج متوسط ۱۲۵۰ - رادیو W.O.I.

نشانی پستی شاخه های نهضت مقاومت ملی ایران در کشورهای مختلف دنیا

N.A.M.I.R.
Postfach 121007
8000 MUNCHEN 12
W. Germany
آلمان فدرال

N.A.M.I.R.
Postfach 523
1171 WIEN
AUSTRIA
اتریش

PO BOX 57278
WASHINGTON, D.C. 20037
U.S.A
امریکا

N.A.M.I.R.
PO BOX 313
LONDON W 2-4QX
ENGLAND
انگلستان

PO BOX 130
14600 TULLINGE
SWEDEN
سوئد

TBS - MO 85
117/118 MAKER CHAMBER (V)
NARIMAN POINT
BOMBAY 400021
INDIA
هند

NEHZAT
P.B. 246
3230 AE BRIELLE
HOLLAND
هلند

A.CH
APARTADO CORREOS 50432
MADRID SPAEN
اسپانیا

NAMIR
PB-1002
STN. B. WILLODALE ONT
M2K 2T6 CANADA
کانادا

M.R.N.I CASELLA
POSTALE 24
TORINO CENTRO
ITALIA
ایتالیا

رادیو ایران ساعت های پخش برنامه

ساعت ۷:۳۰ - ۸:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۸:۳۰ - ۹:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۹:۳۰ - ۱۰:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۱۰:۳۰ - ۱۱:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۱۱:۳۰ - ۱۲:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۱۲:۳۰ - ۱:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۱:۳۰ - ۲:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۲:۳۰ - ۳:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۳:۳۰ - ۴:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۴:۳۰ - ۵:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۵:۳۰ - ۶:۳۰ رادیو موج گویا

سرنوشت

گروگانهای امریکایی

رابرت دورنان نماینده مجلس آمریکا، که به منظور تلاش برای آزادی گروگانهای آمریکا که در لبنان اسیرند، به سوریه رفته است روز ۲۹ ژوئن در دمشق با فاروق الشرع وزیر امور خارجه سوریه دیدار و گفتگو کرد.

منابع دیپلماتیک غربی گفتند رابرت دورنان، تقاضای آزادی رابا امضاء ۲۴۷ تن از اعضای مجلس نمایندگان آمریکا که طی آن از حافظ اسد خواسته اند برای آزادی ۵ گروگان آمریکایی با درمیانهای کند، تسلیم فاروق الشرع کرد.

منابع رسمی سوریه اعلام کردند دیدار نماینده مجلس آمریکا با وزیر امور خارجه سوریه که در حضور سفیر آمریکا انجام شد به مدت یک ساعت بطول انجامید.

دستیار رابرت دورنان، اظهار داشت به احتمال قوی گروگانهای آمریکایی در دست مسلمانان افراطی که از جمهوری اسلامی دستوری گیرند در دره بقاع که تحت اشغال سوریه قرار دارد، اسیر هستند.

رابرت دورنان، که روز جمعه وارد دمشق شد قرار است امروز ۳۰ ژوئن پایتخت سوریه را ترک کند.

توفان خاموش

گزارشهای عناصر ملی ازدرون جامعه ایران می گوید: جنگ در همه جبههها با رژیم ضد ملی خمینی، گام به گام، پیش می رود.

مقاومت، بی فریاد است، اما از درون کانون خانواده تا بطن جامعه کشیده شده است و هیچ قدرت مسلحی قادر به پیش گیری از آن نیست.

تحلیل همپیمانان رابه بخشهایی از این تحلیل اجتماعی جلب می کنیم: در حالی که رژیم، در عین ناتوانی تر شدن، فضای جامعه را با بانگ هیاهو پر می کند، موج مقاومت ملی بی صدا به هر سو گسترش می یابد و تا اعماق و زوایای مملکت پیش می رود.

بی چند و چون، هر دهان بسته می، هزار فریاد است و هر نگاه خاموشی، حکایت یک خشم است.

انقلاب اسلامی، بسیاری از زیربناهای جامعه ایران را بر انداخته و دستخوش انهدام قرار داده، اما واکنش در برابر همین انقلاب، یک تجدید حیات فرهنگی ژرف و آینده ساز به بار آورده است.

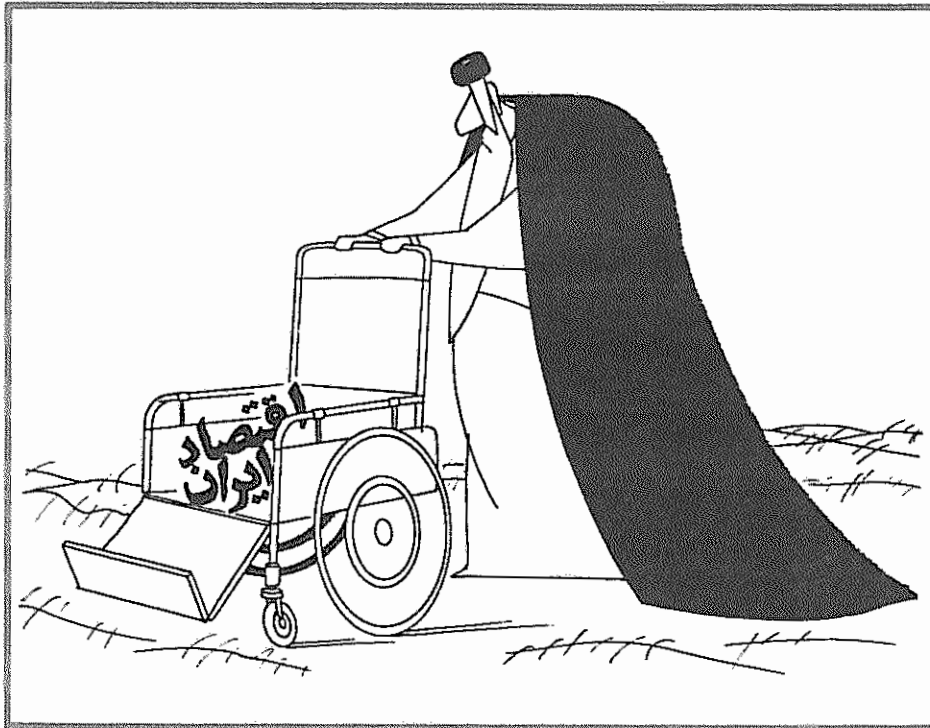
به کلام دیگر، آگاهی جامعه ایران، در این شبهای سیاه انقلاب، ره صدساله رفته است.

این چنین، قدرت و مومنیت جامعه در برابر خطرهای حال و آینده چندین برابر شده است. دیگر این جامعه، آن جامعه بی نیست که به هر درش کسه بخوانند بی خبر بود. مردم به سلاح فرهنگی مجهز شده اند و از حیث ذهنی، خود را برای آینده بزرگ ایران بزرگ آماده ساخته اند. تواناییهای روحی آن هادراین سالهای رنج و شکنج افزایش یافته است، و از این مهم تر، به چیزی کمتر از حاکمیت ملی خشنود نمی شوند.

آگاهی فرهنگی و بلوغ سیاسی، اراده این مردم را راسخ و مقاوم تا پذیر ساختن است. آن هادشرایط اختناق، در خموشیهای خود درگیر و در رنج و غم هر روزه اندیشه می کنند و در پیج و تابهای روزمره سیاست، در پرتو همین بلوغ و آگاهی، سر را از ناسره، به خوبی تشخیص می دهند. روشن بینی و بیداری، امروزه مشخصه های اول جامعه ایرانی است. مردم می خواهند حکومت آینده آن هانیز تبلور همین روشن بینی و بیداری باشد.

یک میلیارد دلار ناقابل!

بقیه از صفحه ۱



خاطراتشان را بنویسند و آن وقت می فهمیدیم داستان از چه قرار رسیده است.

بعد از آنکه سفارت آمریکا در تهران به تصرف دانشجویان خط امام درآمد و پنجاه و چند آمریکایی به اسارت گرفته شدند، در تمام عالم هیج خیرخواه مصلحت اندیشی باقی نماند که پنهان یا آشکار مفاصد چنین عملی را به حکومت ایران گوشزد نکند. هر کس هر چه گفت آیت الله تشنیده گرفت. اندر زها را با سخنان درشت جواب گفت. درهای گفت و شنود را در مورد گروگانها بست.

اختیار مذاکره را از همه مقامات رسمی سلب کرد. مطبوعات غربی که تشنیده خبرهای هیجان انگیزند یک سال و چند ماه این حادثه را داغ نگه داشتند و آیت الله را در ادامه دیوانه بازی تشنید کردند. خمینی به خیالش رسید فتح خیبر کرده و تنها اوست که میتواند آمریکاییها را گروگان بگیرد. در حالی که دود گروگانگیری اول بچشم خود او رفت، خمینی راتان زمان دنیا بظلمت یک تابغه و شخصیتی در ردیف گاندی یا لنین تصور میکرد. اهل عالم او را به چشم رهبریک انقلاب می نگریستند و اگر پرت و پلائی بسر زبانش جاری می شد آن راناشی از شور انقلابی خود او با انعکاسی از خشم انقلابی مردم ایران تلقی می کردند ولی آن هابعد همه دریا فتنه با دیوانه دیگری از قماش ژنرال "امین دادا" سرکار دارند.

البته پشت بازی گروگانگیری و اشغال سفارت آمریکا کسانی بودند که ستاریبی حساب شده بی رادرجهست هدفهای ربا بان خارجی خود اداره می کردند ولی خمینی آلت دست آن هابود. خمینی خودش نمی فهمید چه می کند. او مثل بازیگری که مجذوب نقش خودش بود و در نیسای واقعی را از یاد ببرد فقط به این مساله اهمیت میداد که نمایش گروگان گیری هر چه بیشتر روی صحنه

با شد و چشمها بیشتر به بازی او دوخته شود. او نمی توانست بفهمد که قطع رابطه با آمریکا ایران را در معرض چه خطرهایی قرار می دهد. نمیتوانست بفهمد محاصره اقتصادی چه بلایی بر سر ایران می آورد. نمیتوانست بفهمد اشزای سیاسی یعنی چه. نمیتوانست بفهمد داشتن اعتبار بین المللی فایده اش چیست و زدست دادنش چه ضررهایی به بازی آورد. این را آخرش هم خمینی نفهمید و هنوز هم نمی فهمد و تا آخر عمر نخواهد فهمید چون خمینی محجور است. کسی است که در نیسای امروز را درک نمی کند و با مسائلی امروزی جهان بیگانه است. بعد از آنکه انتخابات آمریکا به شکست دمکراتها انجام میدورگان به ریاست جمهوری برگزیده شد اشخاصی از قبیل رفسنجانی که در خمینی نفوذ دارند و زبان او را می فهمند توانستند به وی حالی کنند که باید بازی گروگانگیری را هر چه زودتر خاتمه دهد و الا زیربایشان را جا روپ خواهند کرد. کارشرو همکارانش همگی در خاطرات خود نوشته اند بعد از آنکه نتایج انتخابات آمریکا اعلام شد ناگهان آیت الله خمینی درهای بسته را گشود و پیغام داد که حاضر است برای استرداد گروگانها مذاکره کند.

از آن پس، بخلاف گذشته او بود که می خواست هر چه زودتر وبه هر قیمتی گروگانها را از سر باز کند. عاقبت نیز در مقابل آزادی پنجاه و دو گروگان که مثل قهرمانان به کشورشان بازگشتند و به انواع وسائل مادی و معنوی مسورد نوازش قرار گرفتند ایران علاوه بر تمام مصائبی که تا آن روز متحمل شده بود قرار داد منحوس الجزایر را بگردن گرفت.

ابوالحسن بنی مدرک درین زمان هنوز رئیس جمهوری بود می گوید ما وقتی فهمیدیم فرستادگان ویژه دولت زیسر چه قرار دادی دارند امضاء می گذارند درمدم بر آمدم معنی چنین قرار دادی را به خمینی تفهیم کنیم و نگذا ریم زیر بار آن بروم ولی خمینی که تا چند روز قبل حاضر نمی شد راجع به استخلاص گروگانها چیزی بنشودا کتون به دنده دیگری افتاده بود و حرفی را که ممکن بود مانع تسریع در آزادی گروگانها شود گوش نمی داد!

داستان گروگانهای فرانسوی هم عینا" با همان کیفیت دارد به نقطه پایان خود نزدیک می شود. همین چند ماه پیش بود که مذاکرات ایران و فرانسو در کا بینه سوسالیستها به بن بست انجامید زیرا جمهوری اسلامی اصرار داشت فرانسو از فروش اسلحه به عراق خودداری کند و یک میلیارد دلار طلب ایران از "اورودیف" ربا بان نمید میلیون دلار بهره آن پس بدهد. حتی آیت الله موسوی اردبیلی در خطبه نماز جمعه باد در گلوانداخت و گفت فرانسویها می گویند بهره در اسلام حرام است و شما خودتان بهره بانکی را حذف کرده اید ولی ما می گوئیم گرفتن جان نامسلمان هم جایز است و پولمکان را تا آخرین دینا بهره اش از حلقوم شما بیرون می کشیم.

در مذاکرات فعلی ایران و فرانسه، مطلقا صحبتی از بهره نیست و مقامات فرانسوی می گویند البته آنها طلبی ندارند، ما هم مطالباتی داریم. به علاوه دولت فرانسه اکیداً اعلام کرده است که هیچ تغییری در روابطه فرانسه و عراق بوجود نخواهد آمد. با این حال، آیت الله اصرار دارد هر چه زودتر گروگانهای فرانسوی را آزاد کند و قال این یک میلیارد دلار هم کنده شود. حاله که تالان تالان است، یک میلیارد دلار ناقابل هم اینجا زیر پالان است.

ایران هرگز نخواهد مرد